



ارائه الگوی مفهومی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی (مبتنی بر نظریه برخاسته از داده‌ها)

سمیرا مستعلی

دانشجوی دکترای گروه برنامه‌ریزی درسی واحد تهران مرکزی- دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
samiramastalimajd@gmail.com

علی اکبر خسروی بابادی

دانشیار گروه برنامه‌ریزی درسی واحد تهران مرکزی- دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(مسئول مکاتبات)
khosravi.edu@gmail.com

کامبیز پوشنه

دانشیار گروه برنامه‌ریزی درسی واحد تهران مرکزی- دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
poushaneh@hotmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی (مبتنی بر نظریه برخاسته از داده ها) انجام پذیرفته است. روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع داده‌ها کیفی و از نظر ماهیت و نوع مطالعه داده بنیاد پارادایمی می‌باشد. شرکت کنندگان مورد نظر پژوهش شامل اساتید دانشگاه دارای رتبه علمی استادیاری به بالا، دارای طرح و پژوهش و تجربه در زمینه مورد مطالعه (خبرگان حوزه برنامه درسی و علوم اجتماعی) بودند که آگاهانه، بر اساس روش نمونه گیری نظری و هدفمند از نوع گلوله برفی و براساس اشباع نظری داده‌ها، به تعداد ۱۲ نفر خبره (۹ نفر از حوزه برنامه درسی و ۳ نفر از حوزه علوم اجتماعی) برای مصاحبه انتخاب شدند. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختار یافته بود که اعتبار و روایی ابزار سنجش به مدد اجماع سه سویه (اجماع داده‌ها، اجماع پژوهشگران، اجماع تئوری‌ها و اجماع روش شناسی) به دست آمد و به این ترتیب ابتدا گستره نظری پژوهش بررسی و پس از آن فرم مصاحبه بر طبق مطالعات انجام شده تهیه و در اختیار صاحب نظران قرار گرفت. از تحلیل داده‌ها همگام با جمع آوری داده‌ها ۳۶۸ کد باز (گویه) به دست آمد که با دسته بندی و حذف برخی از کدهای مفهومی، در مرحله کدگذاری باز شاخص‌ها احصا و از طریق کدگذاری محوری مؤلفه‌ها در ۵ بعد و یک مقوله محوری با توجه به نوع مطالعه مقوله بندی شدند و در نهایت ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بدست آمده برای ۱۲ نفر از خبرگان ارسال و به کمک کدگذاری انتخابی از طریق مصاحبه فن دلفی و بارش فکری الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی در ۵ بعد و مشتمل بر ۱۷ مؤلفه و ۳۴۱ شاخص حول مقوله محوری الگو یعنی توسعه فرهنگ عمومی مورد اعتبارسنجی خبرگان قرار گرفته و به شکل پارادایمی و مفهومی ترسیم شد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ عمومی، توسعه فرهنگ عمومی، الگوی مفهومی، نظام آموزشی، دوره ابتدایی.

۱- مقدمه

در شرایط حاضر، جامعه ما در دورانی قرار گرفته است که در آن صحبت از جهانی سازی و دهکده جهانی بحثی رایج و مورد وفاق است و تاثیرات فرهنگی جوامع بر یکدیگر را در ابعاد گوناگون شاهد هستیم؛ به نوعی که باید اذعان داشت جهانی شدن بر تمام افق های جهانی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران تاثیرگذار بوده است (صافی اصفهانی و دیگران، ۱۴۰۱). پیرامون فرایند جهانی شدن و تاثیرات آن در فرهنگ، پژوهش های بسیاری انجام شده است؛ از جمله پژوهش های واعظی و علی حسینی، شعبانی و همکاران (۱۴۰۲)، دستواره و همکاران، ابایی فیجانی، ذوالقدر و همکاران (۱۴۰۱) و دیگر مطالعات مشابه که به نقش جهانی شدن در فرهنگ اشاراتی داشته اند. نتایج تحقیقات صادقی (۱۴۰۱)، صافی اصفهانی، نصیری فیروز و همکاران (۱۴۰۰)، قراملکی و صفایی (۱۳۹۸) و سایر تحقیقات مشابه نیز نشان داده است مسئله شناسی فرهنگ، فرهنگ عمومی و سیاست گذاری مطلوب فرهنگی در زمان حاضر امری لازم و ضروری می باشد. بی شک با افزایش روند جهانی شدن در دهه های گذشته نیازها و خواسته های تازه ای بین شهروندان شکل گرفته که در بسیاری از موارد یا در رویایی با فرهنگ های بومی بوده یا مسئولان نهادهای اجتماعی و فرهنگی نتوانسته اند خود و برنامه هایشان را با این فرایند سازگار سازند. این ناهمگونی باعث ایجاد انواع گوناگونی از گره های فرهنگی - اجتماعی به ویژه میان شهروندان شده تا جایی که می توان مسائل فرهنگ، فرهنگ عمومی و اجتماعی را از مهمترین مسائل جامعه کنونی دانست (قدرتی و دیگران، ۱۳۹۹). جهانی شدن فرایندی چند بعدی است که یکی از ابعاد آن بعد فرهنگی می باشد. امروزه انقلاب انفورماتیکی و الکترونیکی و به تبع آن، توسعه رسانه های اطلاعاتی و پیشرفت فناوری ارتباطات موجب تسهیل در پیوند فرهنگ های مختلف شده است. آنتونی گیندنز^۱ جامعه شناس معاصر معتقد است که امروزه شدت و سرعت جهانی شدن دنیا را به مکان شگفت انگیزی تبدیل کرده است که در آن هم فرایندهای همگرایی و هم روندهای واگرایی در حال تحقق هستند و گسترش ارتباطات متقابل فرهنگی منجر به تعامل و تبادل فرهنگی پایدار می شود که هم باعث تجانس فرهنگی و هم باعث آشفته گی فرهنگی است (گیندنز، ۲۰۲۱). بدین ترتیب در اغلب مواقع ازدیاد پیشرفت فناوری مادی از ابعاد هنجاری یک طرح تمدن برای موجودیت فراتر می رود و هنگامی که فناوری سریع تر از انتظارات اجتماعی و ملاحظات پیرامون

نوآوری های جدید توسعه پیدا کند، گسست فرهنگی ایجاد می شود که بدون وفاق اجتماعی در مورد عرف های عمومی، آداب و رسوم و قوانین جدید برای دریافت، درونی کردن و استفاده از فناوری های جدید، دانش بدون برنامه فوری یا بدون پیش بینی نتایج، پیش از توسعه آن و معرفی اش به یک جامعه می تواند به زیان سلامت فرهنگ باشد (دوروتی^۲، ۱۹۹۸).

زندگی در عصر جهانی شدن ضمن اینکه می تواند دستاوردهایی برای فرهنگ عمومی انسان ها در کشورهای مختلف داشته باشد، از طریق عناصر مختلف خود دغدغه های زیادی برای دست اندرکاران فرهنگی به همراه دارد. فرایند جهانی شدن از یک سو، ثبات و همگونی و یکپارچگی را بر هم زده و جامعه را به فضای نفوذپذیر و پاره پاره تبدیل کرده و از سوی دیگر در برگیرنده ارتباط، نزدیکی، وابستگی متقابل میان انسان ها، گروه ها و جوامع مختلف و افزایش آگاهی جهانی انسان ها و زمینه فراگیر شدن فرهنگ ها و هویت هاست. در جهانی سازی از طریق وسایل ارتباط جمعی پیشرفته، فرهنگ کشورهای مسلط به راحتی به جهان سوم عرضه و سعی می شود هویت های فردی، قومی، ملی و مذهبی این ملل تحقیر، تضعیف و نادیده گرفته شود (میرزا محمدی، ۱۴۰۱). به زعم رابرتسون^۳ جهانی شدن بر درهم فشردن جهان و تراکم آگاهی نسبت به جهان دلالت دارد. بنابراین در عصر حاضر که مرزهای جغرافیایی در حال کمرنگ شدن هستند، نیازمند آگاهی ها، دانش، مهارت و نگرش های مشترک هستیم که با تکیه بر آنها بتوانیم با وضعیت و شرایط جدید روبه رو شویم و از احساس ناکارآمدی دور بمانیم (پورسلیم و همکاران، ۱۳۹۶). تحولات اجتماعی، تغییرات سریع ناشی از پدیده جهانی شدن، پیشرفت روزافزون ابزار و منابع الکترونیکی و ارتباطی و سایر پدیده های مرتبط با تغییرات اجتماعی و فرهنگی، می تواند دگرگونی های اساسی و بی وقفه ای در فرهنگ ایجاد نماید (قدرتی و دیگران، ۱۳۹۹).

فرهنگ را مجموعه دستاوردهای معنوی یک ملت تعریف کرده اند. فرهنگ یافته ای انسانی و ساخته و پرداخته دست بشر است. این یافته موجودیت و هویت یک جامعه را منعکس می کند (میرزا محمدی، ۱۴۰۱). فرهنگ عمومی نیز به عنوان بخش مهمی از فرهنگ به مثابه سطحی از انباشت فرهنگی و ساختارهایی از عادت واره های اجتماعی که بیشترین گسترش را در یک جامعه مفروض در زمانی مشخص داشته، قابل تعریف است. فرهنگ عمومی عبارت است از مجموعه منسجم و نظام یافته ای از اهداف، ارزش ها، عقاید، باورها، رسوم و هنجارهای

³.Robertson

¹.Giddens

².Dorothy

و شکل مسئله فرهنگی به خود می‌گیرد (صافی اصفهانی و دیگران، ۱۴۰۱). پرداختن به آسیب شناسی فرهنگی به صورت ریشه‌ای در جامعه تجدیدزده ایران اسلامی پیشینه طولانی ندارد؛ به ویژه اینکه تحلیل آسیب‌ها از منظر الگوهای توسعه فرهنگی کمتر مورد توجه جدی تحلیل‌گران اجتماعی و برنامه‌ریزان فرهنگی بوده است. از آنجایی که در جهان معاصر یکی از سازمان‌ها و نهادهایی که مسئولیت تربیت نیروی انسانی در جامعه را برعهده دارد نهاد آموزش و پرورش هست، می‌توان اذعان داشت سیاست‌گذاری فرهنگی جهت اجرای نظریه‌ها و الگوهای توسعه فرهنگی جهت پیشرفت جامعه و تقریب و نزدیک ساختن فرهنگ موجود به فرهنگ مطلوب و تحویل انسانی متناسب و شایسته طبق الگوی اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی یکی از وظایف مهم نهاد و سازمان آموزش و پرورش می‌باشد. هویت فرهنگی هر جامعه به مثابه اصل نبوغ و خلاقیت، انتقال تاریخ گذشته، دریچه آینده و آینه تمام‌نمای تصویر خود و ارتباط آن جامعه با دیگر جوامع است و حساس‌ترین مکانی که تحقق آن را امکان‌پذیر می‌سازد، نظام‌های آموزشی است. از آنجا که تحول هر جامعه بر تحول نظام آموزشی آن مبتنی است، آموزش و پرورش به عنوان یکی از ارکان توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی می‌تواند در خدمت و کمک به توسعه‌یافتگی جامعه قرار گیرد. در این راستا سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان هر جامعه می‌توانند به کمک آینده‌نگری تحلیلی و نظری، روندهای مهم و اساسی آینده را شناسایی نموده و در گام بعدی با توسل به آموزش و پرورش به عنوان نهادی که در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز، بیشترین توانایی و کارایی را دارد، جامعه را در مسیر توسعه همه‌جانبه قرار دهند (بل^۱، ۲۰۱۷). همان‌طور که میرزا محمدی (۱۴۰۱) نیز بیان داشته‌است، بدون شک فرهنگ از طریق آموزش صورت می‌گیرد و این حقیقتی بسیار مهم و حیاتی است که می‌بایست مورد توجه دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی کشور قرار گیرد. اگر قرار است توسعه بر محور فرهنگ انجام پذیرد، مسیر صحیح و دقیق آن آموزش است که علی‌رغم اهمیت موضوع و تاثیرگذاری آموزش‌های رسمی بر دامنه وسیعی از مسائل دولت‌ها، به‌طور جدی و پیگیر به آن پرداخته نشده است.

بیشتر از هر صاحب‌نظری برونر^۲ به نقش و تاثیر فرهنگ در آموزش و یادگیری پرداخته است و بر این نکته تاکید داشته است که یادگیری و اندیشیدن همواره بر استفاده از منابع فرهنگی متکی است و دربستر موقعیت‌های فرهنگی اتفاق می‌افتد به این ترتیب یادگیری تابع فرصت‌ها و مکان‌هایی است

مردم متعلق به یک جامعه بزرگ، قوم یا ملت و شامل تمام فعالیت‌های مبتنی بر اندیشه و عادت است که در جهت برآوردن نیازهای بشری بسته به انواع جوامع از نظر تاریخی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی، رفتارهای عمومی مردم را شکل می‌دهد. در یک جامعه بزرگ، قوم یا ملت، بسیاری از ارزش‌ها، باورها، هنجارها، معیارها و الگوهای رفتاری هستند که گذشته از تکرر فرهنگی قومیت‌های مختلف جامعه، جنبه عام داشته، همگان آن را پذیرفته‌اند و یک کل اجتماعی از آن پیروی می‌کنند (مهرآوران و صفری، ۱۴۰۱).

حوزه فرهنگ عمومی کشور به قدری گسترده است که شعاع آن می‌تواند تمامی تعاملات فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی مناسبات و روابط بین‌الملل را هم دربرگیرد. با این اوصاف بدیهی است که توسعه و تلاش برای دستیابی به آن در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان مهمترین مساله و دل‌مشغولی مردم، مسئولان و صاحب‌نظران در کشورهای در حال پیشرفت می‌باشد (چالش‌های شورای فرهنگ عمومی در مسیر تعمیم و تعمیق مطلوبیت فرهنگی، ۱۳۹۸). در حقیقت به دلیل جهت‌دار بودن لایه‌های مدل‌های توسعه، اتکا بر الگوی پیشرفت غربی، فرهنگ علمی و اداری جامعه را به غرب وابسته می‌کند که منجر به ظهور آثار سوء آن در فرهنگ عمومی خواهد شد. از این جهت، جامعه ما در عصر کنونی، برای دور ماندن آسیب‌های اخلاقی، معنوی و فرهنگی مدرنیزاسیون غربی که مدل توسعه «برون‌گرا» و «وابسته» را ترویج می‌کنند، چاره‌ای جز طراحی و اجرای الگوهای پیشرفت و توسعه بومی و اسلامی بر اساس اهداف متعالی و فرهنگ بومی خود را ندارد (خاکی قراملکی، ۱۳۹۸).

سیدمجید امامی دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور در روز فرهنگ عمومی (یازدهم آبان ۱۴۰۰) در نشست با عنوان برنامه‌های تحولی دولت سیزدهم در حوزه فرهنگ عمومی کشور وضعیت ساختاری فرهنگی کشور را غیر قابل تحمل خوانده و بر لزوم ضرورت ارتقاء تشکیلات سازماندهی تحولاتی کشور، زنده کردن روح تحول‌گرایی و تخصص‌گرایی در نظام فرهنگی و عدم اتکا به الگوهای پیشرفت غربی و اصلاح اوضاع فرهنگ عمومی کشور تاکید کرده است. این در حالی است که بسیاری از مسائل فرهنگی جامعه کنونی ایران بر مبنای برداشت‌های سلیقه‌ای و لحظه‌ای مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی شکل می‌گیری و موضوع یا رخدادی فرهنگی بیش از آنکه از دریچه یک الگوی دقیق عبور کند و به مسئله فرهنگی تبدیل شود، از دالان عقاید، باورها، برداشت‌ها و علایق شخصی فرد سیاست‌گذار می‌گذرد

^۲. Brunner

^۱ Bell

که توسط موقعیت‌های فرهنگی فراهم می‌شوند (ناصری و آرمنند، ۱۴۰۰). از این رو در سند چشم انداز آموزش و پرورش آنچه باید بیش از هر مسئله دیگری دیده می‌شد و به یقین یکی از چالش‌های محقق شدن سند چشم انداز محسوب می‌گردد، وضعیت فرهنگ عمومی کشور است که نیازمند یک بازبینی مجدد می‌باشد (منصوری، ۱۳۹۳).

از مجموعه نظریات مطرح شده در ارتباط بین فرهنگ، برنامه درسی و آموزش می‌توان به این نتیجه رسید که برنامه درسی اگرچه رسالت عظیمی در انتقال فرهنگ جامعه دارد، اما این وظیفه صرفاً به انتقال میراث فرهنگ عمومی محدود نمی‌شود، زیرا در این صورت فقط قادر است انسان‌های تابع، مقلد و نگهبان و نگهدارنده آن میراث را پرورش دهد؛ حال که وظیفه آموزش و پرورش فراتر از آن است که زمینه لازم برای گسترش و توسعه فرهنگی فراهم نماید و گرنه نبوغ و خلاقیت را در دانش آموزان از بین خواهد برد و عقب ماندگی فرهنگی نتیجه آن خواهد بود. ایجاد چنین شرایطی که هم انتقال دهنده میراث فرهنگی و هم ایجاد توسعه فرهنگی باشد از طریق الگوها، محتوای فرهنگی و ارزش گذاری مطالب بیان شده امکان پذیر می‌باشد. محیطی که دانش آموزان با بالا بردن آگاهی‌های انتقادی در آن بتوانند به حل مشکلات و اصلاح آن ترغیب شوند، پویایی فرهنگی حس شده و جوانان با نبوغ و خلاقیت خود قادر به توسعه و پیشرفت فرهنگ خود خواهند بود و علاوه بر آن احساس مثبت به فرهنگ خود و باور نمودن به نقش خود در تحول آفرینی فرهنگی پدید خواهد آمد. تنها باورکردن چنین امری است که می‌تواند نتایج مطلوب فرهنگی و توسعه فرهنگ عمومی جامعه را حاصل نماید (بقایی پور، ۱۳۹۴).

این پژوهش با این سوال که چرا بعضی از جوامع از نظر روند توسعه، رفاه، امنیت و آرامش، عدالت و برابری و رضایت در جایگاه برتری قرار دارند و رعایت اصول شهروندی و فرهنگ عمومی امری نهادینه و همه گیر است اما در برخی دیگر با وجود اعمال کنترل بیرونی و صرف هزینه‌های بسیار در این مورد، اعضای جامعه همچنان با آسیب‌های متنوع و متعدد در ابعاد مختلف روبه رو هستند، به دنبال پاسخ به این سوال است که چرا با توجه به موارد مذکور و علی رغم وجود نهادها و سیاست گذارهای فرهنگی و پژوهش‌های انجام پذیرفته، در عصر جهانی شدن که یکی از مسائل مهم و تاثیر گذار بر جوامع کنونی تغییرات سریع و روزافزون در نگرش‌ها، تفکرات و شیوه زندگی افراد در جوامع مختلف می‌باشد و دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی ممکن است به عواقب و پیامدهای گوناگون همراه به آسیب‌های متعدد بینجامد، هنوز الگوی نظامند و مناسبی جهت

توسعه فرهنگ عمومی جامعه تبیین و طراحی نشده است؛ لذا با توجه به اینکه حیات و بالندگی ملت‌ها در طول تاریخ با مبادی هویت فرهنگی آنها در ارتباط مستقیم بوده و چنان است که عدم استقلال فرهنگی، زمینه زوال و نابودی ملت‌ها را فراهم می‌سازد (ملکی و حاتمی، ۱۳۹۲) و با توجه به اینکه فرهنگ و تربیت دو عنصر مکمل یکدیگر هستند، لازم است این مهم در دوران کودکی و در آموزش‌های رسمی دوره ابتدایی که دوره کاشت و بستر رشد، خلاقیت و نوآوری و ... است، در برنامه‌های درسی نظام آموزشی مورد توجه قرار بگیرد. به بیان دیگر هرگونه تغییر و توسعه ای در بعد فرهنگی و به ویژه در بعد فرهنگ عمومی از متن کلاس درس و از مدارس وارد بطن جامعه شود. بر این اساس پژوهش در این خصوص در سه بعد زیر حائز اهمیت است:

اهمیت نظری: توقعات و انتظارات فرهنگی مردم به ویژه نسل جدید با زیرساخت‌های فرهنگی و امکانات و مقررات فرهنگی فاصله بسیاری دارد؛ بنابراین براساس اندیشه جهانی و فرهنگ بومی تهیه یک الگوی توسعه فرهنگ عمومی برای کشور جمهوری اسلامی از لحاظ نظری حائز اهمیت است.

اهمیت کاربردی: امید است بتوان با آسیب‌شناسی وضع موجود راهکارهای عملی برای توسعه فرهنگ عمومی جامعه ارائه نمود که از لحاظ کاربردی بسیار دارای اهمیت است.

اهمیت توسعه‌ای: عصری که در آن به سر می‌بریم عصر رقابت‌های فرهنگی است، اگر در بین جوامع گذشته رقابت‌ها بر سر قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی بود، اکنون و در حال حاضر این رقابت‌ها به حوزه فرهنگ کشیده شده است. بنابراین امید است با این پژوهش بتوانیم مبانی متقنی از تئوری‌ها، مدل‌ها و الگوهای فرهنگی تهیه نموده و در اختیار سلسله مراتب ذینفع قرار دهیم.

بنابر آنچه گفته شد و نیز با توجه به اهمیت نظری، کاربردی و توسعه ای موضوع، اگر چه در زمینه فرهنگ عمومی پژوهش‌هایی در بعد کمی و در موارد محدودی در بعد کیفی انجام شده است، اما این مهم از لحاظ کیفی نیاز به کار بیشتری دارد و دلیل بارز آن همانا فقدان یک الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی به عنوان مهمترین دوره آموزشی می باشد.

ضرورت پژوهش

عالم تجدد در مسیر توسعه خود به دلیل مبتنی شدن بر ایدئولوژی مادی، با چالش‌های عمیق اجتماعی مواجه گردیده و نه تنها خود گرفتار بن‌بست‌های بنیادی شده، که دیگر حوزه‌های تمدنی و تاریخی را نیز آسیب پذیر کرده است و با توجه به خصلت

درس حضور پیدا می‌کنند. باورها و انگیزه‌های آنها در فرایند آموزش و یادگیری تاثیر شگرفی دارد و فعالیت‌های آموزشی کلاس درس را تا حدود زیادی تحت تاثیر خود قرار می‌دهند (آیتی و خوش دامن، ۱۳۹۱). برنامه‌ریزی درسی، نسبت به عناصر فرهنگی مسئول است. به عبارت دیگر برنامه درسی دوره‌های مختلف تحصیلی نظام آموزشی، هر یک باید در راستای تحقق قسمتی از عناصر فرهنگ تلاش نمایند. در وهله اول برنامه‌های درسی باید بر تربیت عمومی در تمامی فراگیران، تأکید و به تدریج دانش‌آموزان را به افرادی متخصص در رشته‌های مختلف تبدیل نمایند. بدین تربیت روشن است که برنامه‌ریزان درسی باید به منظور حفظ و تحکیم مبانی وحدت اجتماعی، فرهنگ و عناصر فرهنگی جامعه را شناخته و به فراخور توان و قدرت درک دانش‌آموزان، عناصر مذکور را در برنامه‌های درسی دوره‌های مختلف وارد سازند. (طالبی و دیگران، ۱۳۹۳).

دوره ابتدایی مهم‌ترین دوره تحصیلی در نظام‌های آموزش و پرورش محسوب می‌شود، زیرا شکل‌گیری شخصیت و رشد همه جانبه فرد بیشتر در این دوره انجام می‌گیرد. دوره ابتدایی دوره رشد مفاهیم و معانی و تداوم بخش رشد شناختی، زیستی و اجتماعی کودک است که در خانه پی ریزی شده است (صافی، ۱۳۹۳). در این میان برنامه‌های درسی، بافت و محتوای کتاب‌های درسی ویژگی‌های بی‌همتایی دارند که موجب اهمیت شناخت فرهنگ عمومی و مولفه‌های آن می‌شوند. این ویژگی ناشی از ماهیت نظام آموزشی به عنوان حامل صورت‌های سرمایه‌های فرهنگی جامعه و در عین حال مولد فرهنگی و خالق فرهنگ عمومی جامعه می‌باشد.

لذا بازننگری، اصلاح، تجدید نظر اصولی و علمی و ارائه الگوهایی در برنامه‌های درسی برای دانش‌آموزان با توجه به نقشی که آنان در اجتماع و آینده آن ایفا می‌کنند، در توسعه فرهنگ عمومی، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس پژوهشگر به دنبال پاسخ گویی به این سوال اصلی است که برای توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی چه الگوی مفهومی، با چه ویژگی‌ها، ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌هایی می‌توان ارائه داد؟

مبانی نظری

در میان جنبه‌های گوناگون حیات انسانی، فرهنگ را می‌توان عالی‌ترین و فاخرترین جنبه‌ی زندگی انسان به شمار آورد. در حقیقت از زمانی که انسان به عرصه‌ی وجود پا می‌گذارد، رفتارها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، اعتقادات و نیز حرکات ظاهری او همه با شدت هر چه تمام تحت تاثیر فرهنگی است که اطراف او

برتری جوئی و جهان شمولی مدل‌های توسعه فرهنگی و اجتماعی این بحران‌ها در سایه تمدن‌های تابع الگوی توسعه که مختصات فرهنگی خود را در آن ملاحظه نمی‌کنند تسری خواهد یافت (رفیع پور، ۱۴۰۰). تغییر و تحولات سریع و عدم اتخاذ تدابیر درست و کسب آمادگی لازم برای مواجهه، از چالش‌های موجود اجتماعی و تربیتی هستند که دست اندرکاران رشته‌های روانشناسی، علوم اجتماعی و تعلیم و تربیت را به مطالعه و چاره جویی برای کاهش آسیب‌ها ترغیب نموده است (شیرکرمی، ۱۴۰۱). اگرچه مواعی بر سر راه درک و دریافت فرهنگ وجود دارد، اما آگاهی از وجود فرهنگ و محیطی که در آن آموزش فرهنگی اتفاق می‌افتد به ما در مورد تأثیرات قدرتمند فرهنگ بر ادراکات، رفتارها و ارزش‌هایمان بینش و بصیرت می‌بخشد. اگر از فرهنگمان بی‌خبر باشیم، یعنی قادر به ملاحظه و فهم الگوها و نیروهای مسلط بر زندگی‌مان نباشیم، توانایی ایجاد تغییرات اساسی در شیوه هدایت زندگی شخصی، اجتماعی و تربیت جوانانمان را نخواهیم داشت (پاملا بلوتین و دیگران، ۲۰۲۱).

حکومت‌ها برای ایجاد و تثبیت فرهنگ عمومی مورد نظر خود ابزار مختلفی را در اختیار دارند که مهم‌ترین آن‌ها آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش از مهم‌ترین نهادهای رسمی است که عهده دار تعلیم و تربیت جامعه است. در نتیجه بایستی به گونه‌ای عمل کند که دانش‌آموزان تمام توانایی‌هایشان را پرورش دهند و زمینه به کارگیری تمام استعدادهای آن‌ها فراهم شود. یکی از وظایف این نهاد فرهنگ آموزی و تثبیت مولفه‌های مثبت فرهنگ و مبارزه با جنبه‌های منفی فرهنگی است. در یک جامعه پویا، آموزش و پرورش زمینه ساز رشد اخلاقی و فکری انسان‌هاست. نقش آموزش و پرورش در تربیت نیروهای متخصص، به روز و نیز حفظ هویت جوامع بسیار حائز اهمیت است. امروزه اینکه آموزش و پرورش با دیگر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، روانشناسی و غیره در ارتباط تنگاتنگی است، یک واقعیت غیر قابل انکار است. مسئولیت پذیری، وجدان کاری، قانون مداری و غیره با وضعیت تربیتی فرد در گذشته و حال در ارتباط است (شیرکرمی و خدادادی، ۱۳۹۷). ورود فرهنگ به عرصه تعلیم و تربیت و از جمله برنامه درسی به عنوان قلب نظام آموزشی موجب می‌گردد که برنامه‌های درسی نه تنها از منظر عناصر آن، هدف، محتوا، روش و ارزشیابی، بلکه به صورت مجموعه‌ای از پویایی‌های درهم تنیده در نظر گرفته شوند. فرهنگ آئینه توصیف و تفسیر برنامه درسی است و برنامه‌های درسی و کلاس‌های درس همیشه منعکس کننده مجموعه‌ای از برنامه‌های آشکار و ارزش‌های فرهنگی هستند؛ چرا که معلمان و دانش‌آموزان با باورها، علایق و انگیزه‌های متفاوتی در کلاس

را فرا گرفته است. مقوله فرهنگ را می‌توان محوری‌ترین عامل دانست که در هویت یک جامعه نقش دارد. فرهنگ تعیین کننده چگونگی تفکر و احساس اعضای جامعه است. فرهنگ راهنمای اعمال انسان‌ها و معرفت جهان‌بینی آن‌ها در زندگی است.

ادوارد تایلور^۱ فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هر چه که فرد به عنوان عضوی از جامعه خویش فرا می‌گیرد تعریف می‌کند. فرهنگ به مجموعه باورها، ارزش‌ها، سنت‌ها، تفکرات، تمایلات و روش‌های مشترک در یک جامعه مربوط می‌شود که سبک زندگی، اقدامات، تلاش‌ها، تعاملات، انتخاب‌ها، هنجارمندی و حتی گفتار آن جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. حکایات و ضرب‌المثل‌ها، آداب و رسوم و شیوه‌های تربیتی، احوال پرسی‌ها و رفتار در یک جامعه همگی ریشه در فرهنگ آن جامعه دارند (شیرکرمی، ۱۴۰۱). افراد فرهنگ را می‌آموزند و طی دوران طفولیت، کودکی و بزرگسالی نظام پیچیده ارزش‌ها و رفتارها را درونی می‌کنند. بر حسب آنکه جامعه چه چیز را نشانه ورود به عالم بزرگسالی بداند، تربیت کودک پیام‌های فرهنگی بی‌شماری را شامل می‌شود، این پیام‌ها می‌تواند از نوع ارتباطات غیر کلامی، عقاید و قوانین خاصی که باید به نسل آینده منقل شوند، شیوه‌هایی که فرهنگ از آن طریق خودش را عرضه می‌کند یا آنچه بر آن شدیداً صحنه می‌گذارد باشد. به هر حال، الگوهای پیچیده دانش و تعاملات از طریق ابزارهای رسمی و غیر رسمی انتقال فرهنگی (نظیر والدین، تقلید نقش، مذهب، داستان و اساطیر، هنر، رسانه‌ها و نظام آموزشی) کسب می‌شوند. این الگوها در بردارنده «زنجیره‌های عمل» هستند که به صورت یک سری اعمال قابل پیش بینی دنباله داری در می‌آیند که موجب می‌شوند درک و فهم مشترک بروز و ظهور یابد (پاملا بلوتین^۲ و دیگران، ۲۰۲۱).

با توجه به توصیف‌هایی که تاکنون از فرهنگ صورت گرفته، می‌توان این ویژگی‌ها را برای فرهنگ برشمرد: الف) انسانی بودن: فرهنگ دستاوردی انسانی است و مانند هر یافته انسانی ویژگی‌های خاص خود را دارد. این ویژگی‌ها هم جنبه‌های مثبت و هم جنبه‌های منفی دارند و به خود انسان و طبیعت وی بر می‌گردند. بر این اساس، فرهنگ پدیده‌ای فرانسازی نیست که خالی از ایراد و اشکال باشد. همچنین، پدیده‌ای غیرانسانی (طبیعی یا حیوانی) نیست که خالی از عقل و منطق، و سراسر ایراد و اشکال باشد. ب) پیچیده بودن: فرهنگ پدیده‌ای پیچیده است و ابعاد گوناگونی دارد. این پیچیدگی از اهمیت فرهنگ حکایت می‌کند و جزء ویژگی‌های مثبت آن به شمار می‌آید. اگر

فرهنگ ساده بود، توانایی جوابگویی نیازهای عصر حاضر را نداشت، چون این عصر خود عصر پیچیدگی است. پیچیدگی فرهنگ از چندلایگی آن نیز خبر می‌دهد. چندلایگی فرهنگ باعث می‌شود تا برنامه ریزان فرهنگ کشور حساسیت فراوانی نسبت به این موضوع داشته باشند و با سادگی و ساده اندیشی با آن مواجه نشوند. ج) گستردگی: فرهنگ بسیار گسترده است. فرهنگ از کوچک‌ترین نهاد اجتماعی که خانواده نام دارد شروع می‌شود و تا بالاترین سطح اجتماعی که جامعه جهانی است ادامه می‌یابد. فناوری یکی از عوامل مهم گسترش فرهنگ است. می‌توان گستردگی فرهنگ را به صورت طولی و عرضی مشاهده کرد. گسترش طولی فرهنگ به معنای پهنای جغرافیایی آن، و گسترش عرضی به معنای عمیق شدن اتفاقات فرهنگی و تأثیر آن‌ها در سطح جامعه است. د) تغییر پذیری: فرهنگ پویاست و ایستایی ندارد. پویایی فرهنگ موجب شده تا این دستاورد انسانی به گونه‌ای مستمر گسترده و به روز شود و توانایی پاسخگویی نیازهای در حال تغییر جوامع مختلف را داشته باشد. البته باید توجه داشت که تغییرپذیری فرهنگ به این معنی نیست که تمام عناصر و ابعاد فرهنگ به سرعت و همواره در حال تغییرند، بلکه باید گفت که روح و کلیت فرهنگ و قالب اصلی آن از ثبات برخوردار است و به همین علت است که فرهنگ ایرانی-اسلامی پس از قرن‌ها هنوز اصالت و موجودیت خود را حفظ کرده است. ه) اکتسابی بودن: فرهنگ و عناصر آن کسب شدنی است این ویژگی حاکی از آن است که فرهنگ دستاوردی نیست که بتوان بدون آموزش به آن دست یافت و آن را انتقال و مورد ارزیابی قرار داد. فرهنگ به یک‌باره و به شکل بسته‌بندی شده و آماده در اختیار یک ملت و قوم قرار داده نمی‌شود، بلکه مستلزم دستیابی است و باید به فراگیری فرهنگ، انتقال و ارزیابی آن همت گماشت. و) تعامل: فرهنگ ماهیت متضمن تعامل است. تعامل فرهنگ به این معناست که اجزای درونی آن با هم ارتباط دارند. تعامل و ارتباط فرهنگ را می‌توان در دو سطح بیرونی و درونی مشاهده کرد. در سطح بیرونی، سطوح فرهنگ (از فرهنگ جهانی تا ملی) با یکدیگر تعامل دارند و با تأثیر گذاشتن روی هم یکدیگر را تغذیه می‌کنند و در سطح درونی، عناصر فرهنگ (زبان، آداب و رسوم، سبک زندگی و ...) در ارتباط مستمر و پویا با هم قرار دارند. تعامل دو سویه‌ی درونی و بیرونی فرهنگ موجب پیشرفت و توسعه آن است. ز) ارزش‌مداری: برخی فرهنگ را فارغ از ارزش می‌دانند و معتقدند که پدیده‌های فرهنگی از نظر ارزشی خنثی هستند. به گفته این گروه که در حوزه معرفت‌شناسی و فلسفه علم به اثبات‌گرایان معروف شده‌اند، فرهنگ و علم و دستاوردهای

^۲ . Pamela Blolitin Joseph and others

^۱ . Tylor

مطرح شده فرهنگ عمومی در چهاربعد اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی مطرح می‌شود. مولفه‌های هر یک از ابعاد شامل: ۱- مولفه‌های اجتماعی فرهنگی: مانند مدرسه، وسایل ارتباط جمعی نوین، خانواده، آداب و رسوم، دوستان و مطبوعات، کلاس‌ها و آموزشگاه‌های هنری، نمایشگاه‌های فرهنگی، کتاب داستان. ۲- مولفه‌های مذهبی: مانند مساجد، روحانیون، هیئت‌های مذهبی، اصول‌دین، نماز و جلسات قرآنی. ۳- مولفه‌های اقتصادی مانند بازار، میزان درآمد، بانک، ثروت، بورس، تورم که همگی آن‌ها ضمن این که خود از مولفه‌های فرهنگ عمومی می‌باشند و از آن متاثر می‌شوند بر فرهنگ عمومی جامعه بسیار تاثیر گذار می‌باشند.

فرهنگ عمومی شبکه بهم تنیده ای قدرتمند و موثر از دانش‌ها، گرایش‌ها و منش‌های عمومی جامعه می‌باشد که در عین اینکه دارای ابهام و نامرئی می‌باشد، وجود و حضور آن در جامعه احساس می‌شود و با قدرت خویش در همه ابعاد زندگی، ما را تابع خود می‌سازد؛ بدین ترتیب آگاهی از فرهنگ عمومی راجع در جامعه و عوامل تاثیرگذار در آن بین سیاست‌گذاران مردم، برنامه‌ریزان، نظام آموزشی و به طور اخص برنامه‌ریزان درسی که متولی انتقال مفاهیم فرهنگی به محتوای برنامه درسی می‌باشند بسیار مورد اهمیت است. فرهنگ شناسی برنامه درسی به معنای مطالعه تاثیر فرهنگ مدرسه یا دانشگاه در برنامه درسی در پی آن است تا با بکارگیری تحلیل‌های عمیق نشان دهد آن چه عملاً در موقعیت اجرای برنامه درسی فرهنگی اتفاق می‌افتد چیست و چه الگوهایی در توسعه فرهنگی تاثیرگذار می‌باشند (آیتی و خوش‌دامن، ۱۳۹۱). دیویدمن (۱۹۹۷) اهداف برنامه درسی بر اساس فرهنگ را به موارد اساسی عدالت آموزشی، ارزش‌گذاری فرهنگی، طراحی محتوا، دانش معرفی و ارائه عوامل و موقعیت‌های یادگیری، درک مفاهیم میان فرهنگی و دانش قومی در کلاس درس محدود می‌کند. جرج نلر^۲ نیز معتقد است اگر فرهنگ و رفتار اجزای خود را تعیین می‌کنند، پس برنامه درسی نظام‌های آموزشی هم باید براساس مطالعه مستقیم از وضعیت اکنون و آینده فرهنگ غنی شده باشد؛ بنابراین نه تنها برنامه درسی بلکه تمام مولفه‌های مرتبط با آن از جمله رابطه معلم و دانش‌آموز، اولیا، کارکنان مدرسه، روش‌های تدریس، تجربیات یادگیری و نهایتاً کلیت نظام برنامه‌ریزی باید متاثر از فرهنگ در نظر گرفته شوند (کولتهیدا و سینقانات، ۲۰۲۱).

گوناگون انسانی اثبات شونده و تجربه‌پذیرند و نمی‌توانند ارزشمند باشند. این نگرش منتقدان بسیاری دارد. در مقابل، عده ای فرهنگ را بارور از ارزش می‌دانند و معتقدند که ارزش‌ها کاملاً بر فرهنگ‌های مختلف مسلطاند و به هیچ روی نمی‌توان آن‌ها را از فرهنگی جدا کرد. پس، فرهنگ هر کشوری با کشور دیگر متفاوت است زیرا ارزش‌های آن‌ها با هم تفاوت دارد. بر این اساس، فرهنگ حالت اثباتی و تجربه‌پذیر ندارد، بلکه ماهیتی کیفی دارد و نمی‌توان آن را به عدد و رقم و اطلاعات کمی تبدیل و درباره آن با شاخص و استاندارد قضاوت کرد (میرزا محمدی، ۱۴۰۱).

صاحب نظران و فرهنگ‌شناسان، برای فرهنگ انواع یا سطوح مختلفی را ذکر می‌کنند و مبانی متفاوتی را برای تقسیم بندی در نظر می‌گیرند. یکی از تقسیم بندی‌ها بر مبنای دامنه شمولیت زمانی و جامعه تحت پوشش می‌باشد. در این تقسیم بندی انواع فرهنگ عبارت است از: فرهنگ عمومی، فرهنگ ملی، فرهنگ تخصصی، فرهنگ سازمانی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ الهی، فرهنگ مادی، فرهنگ معنوی، فرهنگ عامه، فرهنگ دنباله و یا التقاطی، فرهنگ عقلایی، فرهنگ توسعه ای، فرهنگ اجتماعی، فرهنگ سلسله مراتبی، فرهنگ رسوبی، فرهنگ تابع و بی رنگ، فرهنگ خودهدفی و پیرو و فرهنگ پویا، هدفدار و پیشرو.

فرهنگ عمومی به عنوان بخش مهمی از فرهنگ است که تعریف جامع و مانع از آن بسیار دشوار و شاید هم غیر ممکن می‌باشد؛ لیکن با وجود همین دشواری، توجه به دو نکته روشنگر راه شناخت فرهنگ عمومی است و آن اینکه: اولاً: فرهنگ عمومی اکتسابی و آموختنی است. ثانیاً: چون آموختنی است پس تغییر پذیر است، یعنی پیوسته دارای پویایی می‌باشد (گیدنز، ۱۴۰۰).

برای تبیین و توضیح فرهنگ عمومی نیازمند تحلیلی از معنا، نقد و کارکرد فرهنگی می‌باشیم. به طور خلاصه می‌توان گفت که فرهنگ عبارت است از مجموعه آداب و رسوم، معیارها و رفتارهای فردی و اجتماعی؛ بنابراین ترتیب فرهنگ در عین حال که معلول بخش‌های متعددی از دیدگاه‌های اعتقادی است، علت بسیاری از شرایط و اوضاع نیز محسوب می‌شود. با توجه به پیشرفت ابزارهای ارتباطی و گسترش روزافزون کاربرد آنها در بسیاری از پدیده‌ها و تحولات اجتماعی، نقش فرهنگ به مراتب بیشتر از گذشته شده است؛ به گونه ای هم اکنون فرهنگ نقش تعیین کننده ای در سطح بین المللی، داخلی و منطقه ای دارد (کلادیا^۱، ۲۰۲۲).

باید خاطر نشان کرد که تعدادی از عوامل و مولفه‌ها به طور مستقیم بر فرهنگ عمومی تاثیر می‌گذارند. با توجه به مطالب

^۲. Kneller

^۱. Kludia

پیشینه تجربی پژوهش

فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی مبتنی بر نظریه
برخاسته از داده‌ها می‌باشد، نمایه‌های تجمیعی زیر (جدول ۱
و ۲) به طور خلاصه ارائه می‌شود.

با هدف جمع‌بندی و ارائه نتایج تحقیقات داخلی و خارجی
مرتبط با زمینه پژوهش که همانا ارائه الگوی مفهومی توسعه

جدول ۱: نمایه جمع‌بندی نتایج پیشینه پژوهش‌های داخلی

نویسنده	عنوان	سال	روش	نتایج
محمدلو و همکاران	چگونه می‌توان فرهنگ ملی و ایرانی اسلامی در دانش‌آموزان ابتدایی نهادینه کرد	۱۴۰۲	کیفی - تبیینی	ارائه راهکارهای آموزش فرهنگ عمومی به دانش‌آموزان
صادقی	بررسی تاثیر فرهنگ برخط مشی گذاری عمومی در ایران	۱۴۰۱	کتابخانه‌ای	بررسی تاثیر فرهنگ برخط مشی گذاری عمومی جهت برطرف کردن مسائل فرهنگی
شیرکرمی	آسیب‌های جامعه در پرتو فرهنگ با نگاه روانشناختی	۱۴۰۱	کتابخانه‌ای	آسیب‌شناسی مسائل فرهنگی و ارائه راهکار
ناصری و آرمند	تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی و بررسی مولفه‌های فرهنگ عمومی	۱۴۰۰	کیفی (تحلیل محتوا)	تاثیر بالای گویه‌های فرهنگ عمومی در ارتقای سطح فرهنگ عمومی
صافی اصفهانی و دیگران	ارائه الگوی تعیین مسایل در فرایند خط مشی گذاری سازمان‌های فرهنگی بخش عمومی	۱۴۰۰	کیفی (تحصیل مضمون)	ارائه الگوی سه وجهی نوع نگاه به مسایل فرهنگی
قربانی و درزی	فرهنگ عمومی ایران و تحقق حقوق شهروندی	۱۴۰۰	کیفی	احصاء مهمترین عناصر فرهنگ عمومی ایرانیان جهت تحقق حقوق شهروندی
یعقوبی	شناسایی عناصر تشکیل دهنده الگوی یکپارچه سازی دستور کار شوراهای فرهنگ عمومی کشور	۱۴۰۰	کیفی	ارائه الگوی پارادایمی یکپارچه سازی دستور کار شوراهای فرهنگ عمومی کشور
مقدم	عوامل مشارکت افزایشی نخبگان در سیاستگذاری فرهنگی ایران	۱۴۰۰	کیفی	عوامل مشارکت افزایشی نخبگان در سیاستگذاری فرهنگی ایران، دو راهبرد مشارکت افزایشی و کفایت مدیران
نصیری فیروز	فرا ترکیب مولفه‌های سیاست گذاری فرهنگی در نظام آموزش عالی	۱۴۰۰	کیفی	شناسایی الگو و ارائه مولفه‌های سیاستگذاری فرهنگی در نظام آموزش عالی
طباطبایی	عوامل و موانع تعمیق باورهای دینی در فرهنگ عمومی	۱۴۰۰	توصیفی - کتابخانه‌ای	بررسی عوامل و موانع تعمیق باورهای دینی در فرهنگ عمومی جامعه از دیدگاه شهید مطهری
رحمانی تیرکلایی	بررسی تاثیر معنویت و ایمان بر تقویت فرهنگ عمومی از منظر قرآن، حدیث و عرفان	۱۴۰۰	توصیفی - کتابخانه‌ای	ضرورت ارتقاء فرهنگ عمومی توده مردم با شناخت مبانی و زیرساخت‌های فرهنگ اصیل اسلام
حسین زاده	بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه‌های مجازی و همنوایی با فرهنگ عمومی در شهر اصفهان	۱۳۹۹	پیمایشی	اثر معکوس شبکه‌های اجتماعی بر میزان همنوایی با فرهنگ عمومی
زاهدپاشا	بررسی تاثیر فناوری‌های نوین و چندزبانه بودن دانشگاه‌ها در فرهنگ عمومی	۱۳۹۹	کمی	افزایش مطلوبیت فرهنگ عمومی با افزایش استفاده از فناوری‌های نوین و تقویت چندزبانه شدن دانشگاه‌ها
قدرتی	مسائل فرهنگ عمومی، با تاکید بر موضوع شهروندی و اخلاق اجتماعی شهروندان سبزوار	۱۳۹۹	آمیخته	بررسی جامعه‌شناختی مسائل فرهنگ عمومی و اولویت بندی معضلات اجتماعی

جدول ۲: نمایه جمع بندی نتایج پیشینه پژوهش های خارجی

نویسنده	عنوان	سال	روش	نتایج
گای مری	شایستگی فرهنگی برای عصر جهانی	۲۰۲۲	توصیفی - کتابخانه ای	آموزش شایستگی فرهنگی
روسلان و ایرهام	نقش سواد فرهنگی و آموزش صلح در هماهنگی جوامع دینی	۲۰۲۲	کیفی (قوم نگاری)	تعیین معنای اجتماعی - فرهنگی یک گروه اجتماعی خاص و یکسان سازی فرهنگی جدید
لیونگ کیم هونگ	نقش دین در مشارکت مدنی جوانان از فرهنگ های مختلف در هنگ کنگ	۲۰۲۲	کمی	تعیین میزان توجه به مسائل اجتماعی و عمومی در جوانان با ایمان مذهبی و غیر مذهبی
تسی اس	مدیران تغییر فرهنگ مدارس دولتی شهری	۲۰۲۲	کیفی (پدیدار شناختی)	رهبری موثر در تغییرات فرهنگی از طریق گفت و گوهای مشترک
هانتزوپلوس و همکاران	قالب بندی مجدد فرهنگ مدرسه از طریق وظایف ارزیابی مبتنی بر پروژه	۲۰۲۱	کیفی	به کارگیری روش های آموزش پروژه محور برای تقویت فرهنگ مدرسه
ریادینی و همکاران	تجزیه و تحلیل مطالب مرتبط با فرهنگ در یک کتاب درسی انگلیسی - اندونزیایی	۲۰۲۱	کیفی (تحلیل محتوا)	تحلیل ارائه مطالب مرتبط با فرهنگ کتاب زبان پایه دهم دبیرستان و چگونگی پاسخ گویی به نیازهای فرهنگی
لیلیدهل	کلاس، سرمایه و فرهنگ مدرسه	۲۰۲۱	کیفی (مطالعه موردی)	نقش مشارکت والدین در مدرسه و اجتماعی سازی دانش آموزان
مک کنون	موانع نرم، تاثیر اخلاق و فرهنگ مدرسه بر شمول دانش آموزان با نیازهای آموزشی ویژه	۲۰۲۰	کیفی	بررسی دسترسی به منابع و عملکرد فراگیران در رابطه با درک مفاهیم اخلاق و فرهنگ و چگونگی عملکرد مدارس
زوربا و گالیپ	آگاهی بین فرهنگی دانش آموزان دبیرستانی در ترکیه	۲۰۱۹	کیفی (مطالعه موردی)	بررسی عوامل موثر بر آگاهی بین فرهنگی دانش آموزان متوسطه دوم و راه های افزایش آن
تاگاتانی	جهانی شدن فرهنگ و آموزش در ساموآ	۲۰۱۹	توصیفی	لزوم بازسازی و تجدید ساختار ارزش های فرهنگ ساموایی با تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی جهانی

شده است اما این مهم از لحاظ کیفی نیاز به کار بیشتری دارد و دلیل بارز آن همانا فقدان یک الگو جامع و در برگیرنده تمام ابعاد توسعه فرهنگ عمومی می باشد. لذا با توجه به اهمیت دوره ابتدایی به عنوان مهمترین دوره تحصیلی در نظام آموزش و پرورش که دوران شکل گیری شخصیت و رشد همه جانبه افراد هست، این پژوهش درصدد است یک الگوی نظام مند و جامع به منظور شکل گیری وحدت رویه در بین مسئولان، مراجع ذیربط و نظام آموزشی جهت توسعه فرهنگ عمومی ارائه دهد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی-توسعه ای، از نظر داده‌ها، کیفی و از نظر نوع مطالعه، داده‌بنیاد سیستماتیک (پارادایمی)، می‌باشد. از نظر هدف کاربردی است زیرا هدف این پژوهش

با اکتفا بر نتایج پژوهش های انجام شده می توان دریافت علیرغم اهمیت فوق العاده تاثیرات گسترده فرهنگ عمومی و مولفه های آن در کلیه برنامه ریزی ها، سازمان های آموزشی و رسانه ای، متأسفانه در دهه های گذشته برای ارتقای فرهنگ عمومی، تلاش ویژه ای انجام نگرفته است و پژوهش ها و تحقیقات انجام شده نهایتاً به آسیب شناسی مسائل فرهنگی و فرهنگ عمومی، تجزیه و تحلیل مطالب مربوط به فرهنگ، عملکرد متصدیان امر و نهادهای فرهنگی و یا بررسی تاثیرات آموزش فرهنگی جهت ارتقاء فرهنگ عمومی پرداخته اند و در هیچ یک از پژوهش ها الگوی منطقی و دقیقی جهت ارائه به سازمان های ذیربط طراحی و یا ارائه نشده است که بتواند تمام جوانب، ابعاد و مولفه های توسعه فرهنگ عمومی را در بر گیرد و اگر چه در این زمینه پژوهش هایی در بعد کمی و کیفی انجام

اعتبار روایی ابزار گردآوری اطلاعات به مدد اجماع سه سویه، که دارای چهار نوع اجماع به شرح زیر است به دست آمد.

الف) اجماع داده‌ها (یعنی استفاده از منابع متعدد، جمع آوری داده‌ها از گروه‌های مختلف، از محیط‌های مختلف و در زمان‌های متعدد تا از طریق مقایسه به داده‌های مطمئن برسیم). در واقع در این مرحله پژوهشگر از خبرگان برنامه درسی و علوم اجتماعی و اسناد و مدارک این اطلاعات را گردآوری کرده است. ب) اجماع پژوهشگران (اجرای یک مطالعه واجد با چند پژوهشگر متبحر تا از برخورد اطلاعات و نتایج این پژوهشگران خطای پژوهش کاهش یابد).

بدین ترتیب در پژوهش حاضر از مطالعات پژوهشگران متعدد به ویژه در قسمت پیشینه استفاده شده است.

ج) اجماع تئوری‌ها (یعنی استفاده از چند نوع تحلیل و تفسیر مختلف به منظور توسعه و آزمون فرضیه‌های رغیب در برابر یکدیگر).

بدین ترتیب الگوی تدوین شده توسط پژوهشگر بر اثر اجماع تئوری‌های مطرح شده در این حوزه بدست آمد.

د) اجماع روش شناسی (یعنی استفاده از چند روش جمع آوری اطلاعات شامل مصاحبه، مشاهده، اسناد، مدارک و ... در اجرای یک مطالعه).

بدین ترتیب در بخش اجماع روش شناسی از مصاحبه، اسناد و مدارک و غیره موجود در این حوزه استفاده شده است.

اطلاعات پژوهش حاضر طی مراحل زیر به دست آمد:

۱) مصاحبه عمیق با خبرگان حوزه برنامه درسی و علوم

اجتماعی در خصوص توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی

۲) مطالعه عمیق الگوها، مدل‌ها، تئوری‌ها، مقالات،

پژوهش‌ها و ... اعم از ملی و جهانی در خصوص توسعه

فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی

۳) احصاء شاخص‌های توسعه فرهنگ عمومی در نظام

آموزشی دوره ابتدایی به مدد کدگذاری باز توسط

پژوهشگر و مصاحبه با خبرگان حوزه برنامه درسی

۴) مقوله بندی شاخص‌های احصا شده در قالب مولفه‌ها و

ابعاد سازنده آن‌ها به مدد کدگذاری محوری و مصاحبه

با خبرگان حوزه برنامه درسی

۵) تبدیل مرحله چهارم به یک فرم مصاحبه نیمه ساختار

یافته و اجرای آن بر روی خبرگان حوزه برنامه درسی

به مدد مصاحبه، فن دلفی و بارش فکری

توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص تحت عنوان توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی است، به بیان دیگر پژوهش‌های کاربردی، هر نوع کاوش اصیل به منظور کسب علمی و فنی جدید است که برای آن کاربرد ویژه ای در نظر گرفته می‌شود. از نظر داده‌ها کیفی است زیرا فاقد جنبه‌های آماری و متکی بر مصاحبه با خبرگان، مدارک، شهود، ادراک و تحلیل عقلانی است. از نظر ماهیت و نوع مطالعه از نوع داده بنیاد سیستماتیک (پارادایمی) است زیرا بر تولید، تامل و اعتبار سنجی متکی است (خورشیدی، ۱۴۰۱). به طور کلی این روش به مطالعات وسیعی از طریق مصاحبه، مشاهدات میدانی و در نهایت با استفاده از نظریه تفسیری مورد بررسی نهایی قرار می‌گیرد و بر استفاده گام‌های سه گانه کدگذاری باز، محوری و کدگذاری انتخابی و شکل‌گیری انگاره منطقی تاکید می‌کند.

جامعه آماری مورد پژوهش حاضر را کلیه خبرگان حوزه برنامه درسی و علوم اجتماعی که دارای مدرک دکترای تخصصی در این دو رشته، عضو هیئت علمی، دارای تجارب زیسته، رساله، مقاله و سخنرانی در این زمینه هستند تشکیل داده اند. منظور از خبره کسانی هستند که دارای دکترای تخصصی حوزه برنامه درسی، عضو رسمی هیات علمی و دارای مقاله، پژوهش و تالیف در زمینه مذکور هستند.

نقطه بهینه در تعیین حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی اشباع نظری پژوهشگر است؛ بنابراین در پژوهش حاضر بر اساس اشباع نظری پژوهشگر حجم نمونه (۱۲ نفر، ۹ نفر صاحب نظر در حوزه برنامه درسی و ۳ نفر در حوزه علوم اجتماعی) تعیین شد. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، آگاهانه، غیر احتمالی و هدفمند از نوع گلوله برفی بود که در آن یک شرکت کننده در پژوهش ما را به شرکت کنندگان دیگر هدایت می‌کند. نمونه‌گیری از صاحب نظران در این پژوهش تا زمانی ادامه پیدا کرد که فرایند اکتشاف و تجزیه و تحلیل به نقطه اشباع نظری رسید و محقق حس کرد صاحب نظران دیگر اطلاعات جدیدی ارائه نمی‌دهند.

ابزار گردآوری اطلاعات پژوهش حاضر را یک فرم مصاحبه نیمه ساختار یافته پژوهشگر ساخته تشکیل داده است. فرم مذکور به مدد مصاحبه با خبرگان، بررسی الگوها، مدل‌ها، نظریه‌ها، مطالعات، مقالات و ... در زمینه توسعه فرهنگ عمومی برنامه درسی دوره ابتدایی تدوین شد. لازم به ذکر است که فرم مصاحبه مذکور به مدد کدگذاری باز و محوری تهیه شده است و سپس در قالب فن دلفی روی گروه نمونه اجرا و تا اشباع نظری و رسیدن به پاسخ سوالات این روند استمرار داشته است.

۳- کدگذاری انتخابی: در این مرحله روابط بین مقوله‌ها آشکار و الگوی پارادایمی نظریه برخاسته از داده‌ها شکل گرفت. لازم به ذکر است که در این مرحله کدهای باز فراوانی به دست آمد که بعد از هر مرحله طبقه‌بندی و بررسی داده‌ها، مفاهیم تکراری حذف و برخی از مفاهیم در هم ادغام شدند.

در پژوهش حاضر پس از طی روش کدگذاری و مقوله‌بندی و همچنین تدوین الگوی نظریه داده‌بنیاد یا به عبارت دیگر تدوین الگوی مفهومی تحقیق، پرسشنامه‌ای برحسب الگوی به دست آمده طراحی شد و به منظور نهایی سازی الگوی مفهومی تحقیق و تعیین ابعاد، مولفه‌ها، شاخص‌ها و مفاهیم، الگوی « توسعه فرهنگی عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی » با استفاده از روش دلفی مورد اعتبار سنجی قرار گرفت. شرکت‌کنندگان در روش دلفی شامل تعدادی از خبرگان و صاحب‌نظران حوزه مربوط به پژوهش بودند که پس از انتخاب، پرسشنامه دلفی به صورت حضوری به آنان ارائه شد و فهرست گویه‌ها، شاخص‌ها، مولفه‌ها و ابعاد الگوی مورد نظر در اختیار اعضای گروه قرار گرفت تا در مورد فهرست اظهار نظر نمایند. همچنین از آن‌ها خواسته شد که نظرات خود را در قالب پیشنهاد، اصلاح و حذف به مجموعه فهرست شده اضافه نمایند. این کار تا مرحله اشباع نظری پیش رفت و پس از آن یافته‌های پاسخ‌های ارائه شده در خصوص هر یک از ابعاد، مولفه‌ها، شاخص‌ها و گویه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

پس از اجرای فن دلفی، با تشکیل جلسه طوفان مغزی با خبرگان حوزه برنامه ریزی درسی که در مصاحبه فن دلفی حضور داشتند، نتایج به دست آمده از مجموع فرایندهای کیفی به معرض آزمایش و اعتبار یابی نهایی گذاشته شده و عناوین شاخص‌ها، مولفه‌ها، ابعاد و همچنین ترتیب قرارگرفتن آن‌ها در الگوی مفهومی تعیین شد. در ادامه پژوهشگر بر حسب فهم خود از متن پدیده مطالعه شده، در قالب پالایش مدل پارادایمی مرحله کدگذاری محوری و ارائه روابط مستتر بین مقوله‌های موجود در مدل، نظریه خود را پیرامون پدیده محوری در قالب مجموعه‌ای از گزاره‌ها یا زیرگزاره‌ها ارائه داد (کرسول^۱، ۲۰۲۲).

یافته‌های پژوهش

کدگذاری فرایندی تحلیلی است که طی آن داده‌ها مفهوم‌گذاری می‌شوند و به هم می‌پیوندند تا نظریه را شکل دهند. تحلیل داده‌ها در این روند جدا از گردآوری و نمونه‌گیری صورت نمی‌گیرد. در طرح تحقیق نظریه داده بنیاد، تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد.

لازم به ذکر است که این روند آن قدر استمرار یافت که پژوهشگر به اشباع نظری رسید و پاسخ سوالات خود را دریافت کرد.

۶-تنظیم یافته‌های مرحله پنج در قالب یک الگو و اعتباریابی نظری این الگو توسط خبرگان

فرایند تحلیل داده‌های پژوهش همزمان با جمع‌آوری داده‌ها از مطالعه ادبیات نظری، پیشینه پژوهش و از متن مصاحبه‌ها (با توجه به اهمیت مصاحبه در رویکرد نظریه داده بنیاد)، به صورت دستی و در سه مرحله انجام شد. این سه مرحله مطابق نظریه داده بنیاد کلاسیک برخاسته از داده‌های استراوس کوربین (۲۰۲۱) شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی بود.

۱- کدگذاری باز: در این مرحله از پژوهش مفاهیم و نکات کلیدی به دست آمده در خصوص موضوع تحقیق از دو فرایند مطالعه ادبیات نظری و پیشینه پژوهش و همچنین مصاحبه فهرست شدند و عبارات، مفاهیم و گویه‌های مستخرج شده از پژوهش‌های انجام شده داخل و خارج از کشور، با انجام تحلیل‌های دقیق، یکسان سازی (انتخاب واژگان صحیح‌تر، حذف مفاهیم مشترک) شدند. سپس گویه‌های به دست آمده در قالب چک لیستی برای انجام مصاحبه تنظیم شدند. با انجام مصاحبه با خبرگان برخی از گویه‌های به دست آمده حذف و اصلاح شدند. در طول مرحله کدگذاری باز، داده‌ها به دقت مورد بررسی قرار گرفتند، عبارات و مفاهیم مناسب و مقوله‌های مربوط مشخص شدند، ابعاد و ویژگی‌ها تعیین شدند و الگو مورد بررسی قرار گرفت.

۲- کدگذاری محوری: با توجه به راهنمای ارائه شده توسط استراوس و کوربین (۲۰۲۱)، با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل پاراگراف‌ها تلاش شد تا کدهای باز استخراج شوند. بعد از این مرحله سعی شد که مقوله‌ها نیز در قالب دسته‌های بزرگ مفهومی طبقه‌بندی گردند.

واحد اصلی تحلیل برای کدگذاری باز و محوری مفاهیم هستند که هنگام تجزیه و تحلیل دقیق داده‌ها، مفاهیم از طریق عنوان گذاری توسط محقق به طور مستقیم از رونوشت مصاحبه شرکت کنندگان (کدهای زنده) و با توجه به موارد مشترک کاربرد آن‌ها ایجاد شدند.

در این مرحله نیز در پی یافتن رابطه موجود میان طبقه‌ها، مقوله محوری پژوهش شناسایی و سایر مفاهیم در قالب شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و پیامدها طبقه بندی و به صورت نظری در قالب مدل پارادایمی به هم مرتبط شدند.

¹. Creswell

برای پاسخ به سوال اصلی پژوهش که الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی (مبتنی بر نظریه برخاسته از داده ها) چیست؟ ابتدا لازم است فرایند کدگذاری و استخراج مفاهیم و طبقات توضیح داده شود.

کدگذاری باز

در پژوهش حاضر ابتدا مفاهیم و نکات کلیدی به دست آمده در خصوص توسعه فرهنگ عمومی از دو فرایند مطالعه ادبیات نظری، پیشینه پژوهش و مصاحبه فهرست شدند. مصاحبه‌های ضبط شده پس از پیاده سازی، به صورت سطر به سطر (کدهای زنده) که واحدهای اصلی تحلیل بودند بررسی، مفهوم پردازی و مقوله بندی شدند. در مجموع ۳۶۸ گویه به دست آمد و سپس بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز، مفاهیم و مقولات (طبقه ای از مفاهیم) مشخص شدند. نسخه‌های پیاده شده برای یافتن گویه‌های اصلی به طور منظم مورد بررسی قرار گرفتند و در نهایت ۳۴۷ گویه به دست آمد. لذا برای پاسخ به سوالات پژوهش در خصوص این مطلب که شاخص‌های الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی کدامند؟ تعداد ۳۴۷ شاخص احصا شد.

کدگذاری محوری

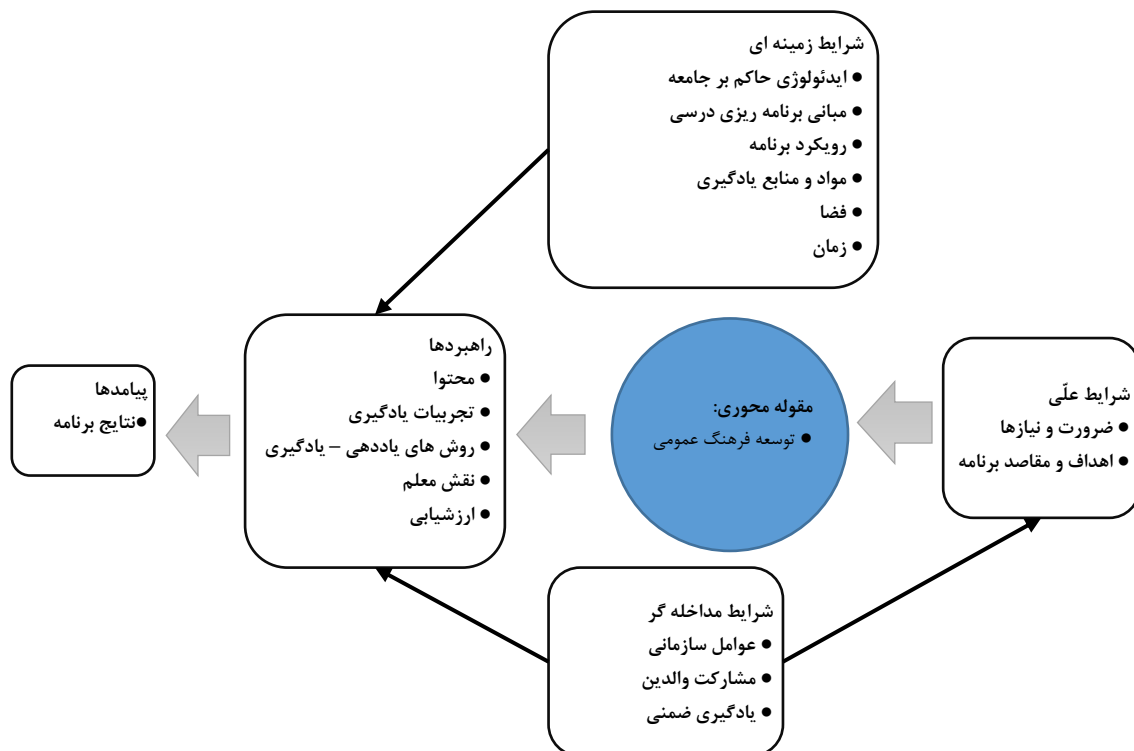
پس از فرایند کدگذاری باز و بررسی یافته‌های پژوهش در قالب ابعاد الگوی کدگذاری محوری، در پی یافتن رابطه میانه طبقه‌ها، مقوله توسعه فرهنگ عمومی بر اساس ویژگی‌های ارتباطی با سایر مقولات، محور بودن در پژوهش، تکرار در داده‌ها و انتزاعی بودن به عنوان مقوله محوری پژوهش حاضر انتخاب و مطالعه شد و سایر مفاهیم نیز در قالب شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله گر و پیامدها، طبقه بندی و به صورت

نظری در قالب مدل پارادایمی (سیستماتیک) به هم مرتبط شدند. مقوله محوری به عنوان حادثه یا اتفاق اصلی که یک سلسله کنش‌های متقابل برای کنترل یا اداره کردن آن وجود دارد و به آن مربوط می‌شود؛ شرایط علی به عنوان عامل به وجود آورنده پدیده مورد مطالعه؛ راهبردها به عنوان کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شوند و روش‌هایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه ارائه می‌کنند؛ شرایط زمینه ای به عنوان یک سری خصوصیات ویژه که در آن کنش متقابل برای کنترل، اداره و پاسخ به پدیده انجام می‌شود؛ شرایط مداخله گر به عنوان شرایط زمینه ای عمومی که بر راهبردها تاثیر می‌گذارند و پیامدها به عنوان خروجی حاصل از به کارگیری راهبردها می‌باشد (استراوس و کوربین، ۲۰۲۱).

با توجه به مقولات اصلی و فرعی مربوط به هر قسمت، چگونگی طراحی الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی توسعه فرهنگ عمومی تحت عنوان ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها منعکس می‌شود.

بدین ترتیب در کدگذاری محوری، ۱ مقوله محوری، ۵ بعد، ۱۷ مؤلفه و ۳۴۷ شاخص برای الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی احصاء شد.

پس از استخراج یافته‌های پژوهش از فرایند کدگذاری باز و یافتن مقوله محوری، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها، مدل پارادایمی الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی از طریق مصاحبه با متخصصان و افراد صاحب نظر حوزه مطالعات برنامه درسی و کدگذاری محوری ترسیم شد که در آن روابط بین ابعاد شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر، راهبردها و پیامدها با مقوله محوری مشهود است.



شکل ۱- الگوی پارادایمی توسعه فرهنگی عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی (بر اساس طرح نظام مند داده بنیاد)

نتایج تحلیل دلفی

پس از مشخص شدن ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی و ارتباط ابعاد و مؤلفه‌ها به صورت الگوی پارادایمی، این الگو با استفاده از فن دلفی مورد اعتبار سنجی قرار گرفت. شرکت کنندگان در روش دلفی شامل تعدادی از خبرگان حوزه برنامه ریزی درسی بودند که پس از انتخاب تا مرحله اشباع نظری، پرسشنامه دلفی به آنها ارائه شد؛ سپس فهرست شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد الگوی مذکور در اختیار اعضای گروه قرار گرفت تا در مورد فهرست ارائه شده اظهار نظر نمایند. همچنین از آنها خواسته شده که نظرات خود را در قالب پیشنهاد، اصلاح و حذف به مجموعه فهرست شده اضافه نمایند. در مرحله اول چند مفهوم حذف و برخی موارد جهت اصلاح پیشنهاد شد. پژوهشگر در این مرحله اصلاحات لازم را مطابق نظر اعضای گروه ارائه نمود.

یافته‌های فن دلفی، در چند مرحله حاکی از آن بود که خبرگان به اتفاق نظر مناسب رسیده اند. چرا که بیش از ۹۰ درصد اعضای گروه با کلیات فهرست تهیه شده موافق بودند که در این مرحله پژوهشگر به اشباع نظری رسید.

تحلیل نتایج بارش مغزی و کد گذاری انتخابی

پس از اجرای فن دلفی با تشکیل جلسه بارش مغزی با خبرگان و صاحب نظران حوزه برنامه ریزی درسی که در مراحل مصاحبه و فن دلفی حضور داشتند، آخرین نتایج بدست آمده (ابعاد مؤلفه‌ها و شاخص‌ها) از مجموع فرایندهای کیفی شامل ادبیات نظری، مطالعه پیشینه، مصاحبه با خبرگان و فن دلفی به معرض آزمایش و اعتباریابی نهایی گذاشته شد و کد گذاری انتخابی صورت گرفت. در این جلسه ضمن حذف و اصلاح و اضافه نمودن به گویه‌های به دست آمده، عناوین شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد و همچنین ترتیب و اولویت قرار گرفتن آنها در الگوی مفهومی تعیین شد.

در این مرحله جدول کد گذاری انتخابی به مدد فن دلفی و بارش مغزی برای خبرگان حوزه ارسال شد. در نهایت نتایج کد گذاری انتخابی در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳- ابعاد مولفه‌ها و شاخص الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی پس از گذار از انتخابی

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
	ضرورت و نیاز	رعایت مؤلفه های فرهنگ عمومی در سطح جامعه، توانایی تبیین، نقد و تولید فرهنگی، تعالی و توانمندی فرهنگی فردی، ایجاد هنجارهایی که ارزش ها را می سازند یا برعکس، ایجاد امنیت، جلوگیری از تهاجم فرهنگی، جلوگیری از تهدیدها، تغییر نگرش های اساسی در مدرسه، ارتقا توانمندی های فرهنگی جامعه، رفع معضلات اجتماعی
شرایط علی	اهداف و مقاصد برنامه	جامع بودن اهداف، اجتناب از غایت زدگی در تدوین اهداف، تاکید بر منابع متنوع با محوریت اهداف برای رعایت و عمل به ارزش های فرهنگی، چگونگی آگاهی از حقوق اجتماعی و اجرای آن، چگونگی دستیابی به هویت سالم، چگونگی زندگی مسالمت آمیز با دیگران، تکوین، توسعه و تعالی شخصیتی فراگیران و برخورداری جامعه از فرهنگ عمومی مناسب، تدارک نگرش، دانش و مهارت لازم برای داشتن نقشی مؤثر در جامعه در سطح ملی و جهانی و در جهت توسعه فرهنگ عمومی قرار گرفتن در مدار دانش معیار، پرورش خویشتن و معنویت، ساختن فهم، مردم سالاری در بستر اندیشه و عمل، شناخت مسائل مربوط به فرهنگ عمومی، تحلیل و تعریف عملیاتی ارزش های فرهنگی، مشخص کردن سطح انتظارات فراگیران به عنوان اهداف خرد، ایجاد زمینه های فرهنگی مناسب برای رشد شخصیت، ایجاد اخلاقیات، جمع گرایی، کار تشکلی، احترام به ارزش های انسانی، احترام به ارزش های فراملیتی فرهنگ های مختلف در دانش آموزان
	مقوله محوری	توسعه فرهنگ عمومی
شرایط زمینه ای	ایدئولوژی حاکم بر جامعه	پرورش تربیت یافتگان شجاع و فداکار جهت تکوین و تعالی اخلاقی خود، نیل به حیات طیبه، دارای روحیه مواجهه با مسائل فردی و اجتماعی، با درک مفاهیم اجتماعی و سیاسی، پرورش تربیت یافتگان برای احترام به قانون، دارای شایستگی رویارویی مسئولانه و خردمندانه با تحولات اجتماعی و سیاسی، با روحیه مسئولیت پذیری، تعالی خواه، دارای مهارت های ارتباطی (در حیات خانوادگی و اجتماعی در سطح ملی تا جهانی)، دارای درک اهمیت مفاهیم بهداشت فردی، اهمیت زیست بوم طبیعی و شهری (به منزله امانات الهی)، دارای درک مفاهیم فرهنگی و میان فرهنگی، دارای توانمندی های لازم در خلق آثار فرهنگی، آشنا نمودن دانش آموزان با فرهنگ ملی و فرهنگ قومی، شناساندن ارزشهای فرهنگی اقوام و ارزش های فرهنگی برتر، ایجاد فرصت های تربیتی نظام مند و طرح ریزی شده در همه سطوح (برای کسب شایستگی های فرهنگی لازم)، ایجاد زیرنظام های لازم (شامل ابعاد چهارگانه، طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی)، فراهم آوردن زمینه تربیت نسل آگاه و آشنا به وظایف در برابر خود، خدا، خلق، خلقت و مخلوق)، پرورش دانش آموزان قانون مدار، وفادار به ارزش های اسلامی و ملی، آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی، ایجاد ساز و کارهای لازم برای تقویت آداب و سبک زندگی اسلامی - ایرانی، شناسایی، تبیین و طبقه بندی مراحل رشد دانش آموزان ایرانی (با توجه به بافت در زمینه فرهنگی اجتماعی ایرانی و نظام معیار اسلامی)، تبیین و تعمیق دامنه مفاهیم کلیدی فرهنگ و تمدن اسلامی، ایجاد تحولات فکری، بینشی و رفتاری.
	مبانی برنامه ریزی درسی	نگاه برنامه ریزان، مؤلفان کتب درسی و معلمان به برنامه درسی و فرهنگ عمومی، توجه به شرایط جامعه، توجه به فرهنگ غالب جامعه، توجه به نقش مدرسه (موضوع مدرسه نسبت فرهنگ عمومی)، تولید، تبیین، نقد و تغییر فرهنگ عمومی (در مسیر مطلوب)، فراگیری، همترازی تربیت با تربیت شهروند مورد تأیید جامعه، جامع نگری، فراگیر بودن توسعه فرهنگ عمومی، شناخت ویژگی های عاطفی، شناختی و شخصیتی فراگیر، نوع نگاه دانش آموز به یک فرد، نوع نگاه دانش آموز به یک جامعه، نوع نگاه دانش آموز به معلم
	رویکرد برنامه	محوریت فرهنگی عمومی مطلوب، دانش آموز محوری، همترازی تربیت با تربیت شهروند مورد تأیید جامعه، جامع نگری، فراگیر بودن توسعه فرهنگ عمومی، رویکرد غیر خطی و تلفیقی، نیمه متمرکز
	مواد و منابع یادگیری	گسترده‌گی، جامعیت و انعطاف پذیری در انتخاب مواد و منابع یادگیری، استفاده از کتاب های مصور، پرسش محور، فعالیت محور، فیلم های آموزشی و روزنامه دیواری برای آموزش مهارت های شهروندی و

<p>رعایت مؤلفه های فرهنگ عمومی، استفاده از منابع اینترنتی و سایر ابزارآلات الکترونیکی و استفاده از نرم افزارهای آموزش برخط</p>		
<p>استفاده از زمان های سهیم و موثر در آموزش رسمی، حضور مستمر در کلاس های درس (به عنوان زمان اصلی و محوری در توسعه فرهنگ عمومی)، تخصیص ساعات آموزشی خاص و رسمی در خصوص آموزش مباحث مرتبط با توسعه فرهنگ عمومی، تخصیص ساعات آموزشی خاص و رسمی برای آموزش مسئولیت پذیری نسبت به اجتماع و مردم، رعایت وجدان کاری، آموزش احترام ارزش های جامعه، احترام به فرهنگ خودی و احترام به فرهنگ ملی و جهانی</p>	<p>فضا (مکان)</p>	
<p>استفاده از کلاس درس به عنوان مکان اصلی و محوری توسعه فرهنگ عمومی، چیدمان کلاس درس (برای ارتباط چشمی مؤثر)، تعداد کلاس های درسی کافی و متناسب با تعداد دانش آموزان، تاثیر حیاط مدرسه، کتابخانه، نمازخانه، آزمایشگاه و فضای ورزشی بر آموزش فرهنگ عمومی، تاثیر راهروها و سایر مکان های داخلی مدرسه (به عنوان محیط های غیرمستقیم یا مکمل در توسعه فرهنگ عمومی)، انعطاف پذیری در مکان اجرا، تابعیت مکان از موقعیت یادگیری، استفاده از مکان های سهیم و موثر در توسعه فرهنگ عمومی (مانند طبیعت، جامعه و مراکز فرهنگی به مثابه کلاس درس)، برگزاری اردوهای فرهنگی</p>	<p>زمان</p>	
<p>برنامه های آموزشی ضمن خدمت (برای معلمان و کادر آموزشی و اجرایی) در راستای آموزش مؤلفه های فرهنگ عمومی، برگزاری و شرکت دادن معلمان و عوامل آموزشی در همایش ها و سمینارهای مربوط، حمایت مدیران ارشد برای برنامه ریزی دقیق فرهنگی و تولید محتوای مناسب و مطلوب</p>	<p>عوامل سازمانی</p>	
<p>تغییر نگرش اولیا، ضرورت گسترش آموزش والدین، برگزاری جلسات آموزش خانواده، استفاده از والدین به عنوان همیار (در فضاهای ورزشی، کتابخانه، نمازخانه و ...)</p>	<p>مشارکت والدین</p>	
<p>یادگیری در محیط مدرسه، جو کلاس و درس و تاثیر آن در یادگیری، تعاملات بین دانش آموزان و معلم و تاثیر آن بر یادگیری، یادگیری از گروه همسالان، رسانه های جمعی و عمومی، جو فرهنگی و تربیتی جامعه و تاثیرات ضمنی آن بر یادگیری</p>	<p>یادگیری ضمنی (برنامه غیر رسمی - برنامه درسی پنهان)</p>	<p>شرایط مداخله گر</p>
<p>هم خوانی محتوا با مؤلفه های فرهنگ عمومی مطلوب جامعه، قابلیت آموزش مفاهیم اساسی و مشترک متناسب با فرهنگ عمومی، جامعیت قلمرویی محتوا، استفاده از اسناد بالادستی و اهداف شورای عالی آموزش و پرورش جهت موقعیت محور بودن محتوا، هماهنگی محتوا با ضرورت ها و واقعیت های اجتماعی، تناسب محتوا با علایق فراگیران و توانایی یادگیرندگان، جذاب بودن و پژوهش محور بودن محتوا، داشتن ارتباط عمودی و افقی در طراحی با توجه به گستردگی مفاهیم و موضوعات در ارائه محتوا، آموزش ارزش های انسانی، آموزش ارزش ها و هنجار های فرهنگ عمومی، فهم و درک فرهنگ عمومی، مهارت های زندگی، مشارکت مدنی، بازسازی فرهنگی، نقش اجتماعی افراد، مسئولیت پذیری، وجدان کاری، انضباط اجتماعی، درک متقابل، کسب تجربه، گفتمان، هنر، آداب و رسوم، پذیرش همدیگر، عزت نفس، انتخاب صحیح، پشتکار، پایبندی به قانون، برخورداری از فرهنگ اعتراض، احترام به پیشکسوتان، رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، احترام به حریم خصوصی، عدم تقلب و حفظ محیط زیست</p>	<p>محتوا</p>	
<p>منطبق با سلاقی، علایق، موافق میل و طبیعت و همراه با رضایت بخشی دانش آموز، در حیطه توانایی ها دانش آموز، متناسب با استعداد، ساختار ذهنی و رشد شناختی دانش آموز، خلاقانه، بدون محدودیت و غیر دستوری (غیر تجویزی)، در برگیرنده بیش از یک هدف، ایجاد موقعیت برای برانگیختن نوع فعالیت ها، ایجاد فرصت مطالعه محتوا، غنی سازی محیط، خلق محیط فرهنگی، توجه به ابزارهای محرک یادگیری موسیقی، ادبیات، هنر، ابزارهای علمی و ...، طراحی محیط اجتماعی (برای برقراری رابطه صحیح با دیگران در اقدامات مشترک و متفاوت)، تامین منابع مورد نیاز مطالعاتی (کتاب های درسی، جزوه ها، فیلم ها و ... مرتبط با فرهنگ عمومی مطلوب)، ایجاد امکان تغییر محیط یادگیری (استفاده از محیط های طبیعی)، تعامل بین دانش آموزان (روابط بین فردی)، روند مشارکتی بین دانش آموزان و معلم، پویایی گروهی، استفاده از نمایش، خود شرح حال نویسی، دانش آموز محور، مشارکتی، تمرکز فعالیت ها روی محور توسعه فرهنگ عمومی، ایجاد فرصت برای وسعت تجربه دانش آموز (معلم به عنوان راهنما و تسهیل گر)، در نظر گرفتن تمام تلاش های معلم و دانش آموز (به عنوان تجارب یادگیری)، کسب تجارب یادگیری</p>	<p>راهبردها</p>	<p>تجربیات یادگیری</p>

<p>به عنوان فعالیت های یاددهی - یادگیری، توجه به نقش اولیا (به عنوان پیگیری کننده فعالیت های انجام شده و نتایج به دست آمده از دانش آموز)</p>	
<p>صاحب رأی دانستن دانش آموزان (دانش آموز محوری)، تقویت توانایی ارائه راهکارهای جدید، تقویت مهارت تفکر خلاق، تفکر انتقادی، مهارت بحث گروهی (گفت و شنود، مهارت پرسش گری)، توجه به اصل یادگیری چندحسی، مرکزیت زدایی از کتب درسی، تاکید بر بسته های آموزشی، استفاده از روش های غیر مستقیم، سؤال محوری به جای پاسخ محوری، آموزش تلفیقی، گفت و گوهای سؤال برانگیز (مبتنی بر استدلال عقلانی)، استدلال و تمرین عملی مهارت های شهروندی، استفاده از روش های تدریس مشارکتی، شاگرد محور، خلاق، روش های حل مسئله، روش های ایفای نقش، بازی های فکری و کلامی، روش های تعاملی، پروژه، روش پرسش و پاسخ، استفاده از روش یادگیری خدماتی، قصه گوئی و نمایش نمادین</p>	<p>روش های یاددهی - یادگیری</p>
<p>نحوه تعامل معلمان با یکدیگر، دانش آموزان با یکدیگر و معلمان با دانش آموزان و اولیا، اعتقاد و التزام به حاکمیت ضوابط بر روابط، پایبندی به سنت های مقبول شرعی و عرفی، موازین عقلی، دوری از خرافات، استفاده بهینه از محصولات، امکانات و خدمات فرهنگی، مراعات منانت، آراستگی، نظافت، سلامت جسمانی، بهداشت و ایمنی، سواد تدریس، توان ارتباطی، به روز بودن، آگاه بودن نسبت به موضوعات و مسائل روز، پرهیز از تحمیل ارزش ها، داشتن انگیزه، مسئولیت پذیری، ایمان به رسالت معلمی، ایجاد جو صمیمی برای ارتباط مؤثر، اعتماد متقابل، تقویت اعتماد به نفس فراگیران، توجه به تفاوت های فردی، علائق، هیجانات، عواطف، خواسته های فراگیران (در راستای ایجاد انگیزه)، حافظ جو مثبت در فرایند آموزش و تدریس، خالق موقعیت های یادگیری، تشویق دانش آموزان به تفکر، تشویق دانش آموزان به تفکر، تحلیل و نقد</p>	<p>نقش معلم</p>
<p>توجه ویژه به ارزشیابی در مقطع ابتدایی (از نوع کیفی - توصیفی)، توجه به تمام فعالیت های دانش آموزان، قابلیت مستمر و جامع بودن ارزشیابی، تنوع در روش ها، تغییر در کارکردها، اصل تکرار و اصل تنوع منبع داده ها در ارزشیابی فراگیران، توجه به رفتارها، مهارت ها، نگرش ها و عملکرد فراگیران، استفاده از روش ها و ابزارهای گوناگون (انواع ابزار سنجش در ارزشیابی توصیفی مانند آزمون های مدادکاغذی و عملکردی، پوشه کار، چک لیست، سنجش مشاهده ای، تکالیف و...)، ارزشیابی چندجانبه (توسط معلم، فراگیران و همسالان با تاکید بر روش خودسنجی و خوداظهاری به عنوان روش محوری و نظر خواهی از والدین)، استفاده از روش مشاهده ای در موقعیت های طبیعی، مشاهده رفتار عملی در دانش آموزان برای سنجش یادگیری، استفاده از آزمون های مداد کاغذی برای سنجش سطح دانش فرهنگی فراگیران، ارزیابی گروهی به جای ارزیابی فردی</p>	<p>ارزشیابی</p>
<p>قابلیت ایجاد و تقویت علاقه در فراگیران (نسبت به احترام به ارزش های فرهنگی جامعه)، پرورش دانش آموزانی متعهد به رعایت مؤلفه های فرهنگ عمومی مطلوب، محترم، آگاه، مسئولیت پذیر، با وجدان کاری، نگران نسبت به امور فرهنگی و فرهنگ عمومی جامعه، آگاه به وظایف اجتماعی، با قابلیت درک، اصلاح و تجزیه و تحلیل ارزش ها، پرورش دانش آموزانی با مهارت تجزیه و تحلیل مسائل، با مهارت انجام فرایند تفکر، بیان استدلال های منطقی، دارای بیان نقادی، با مهارت های ارتباطی و انجام فعالیت های اجتماعی، پرورش دانش آموزانی سازنده، قانونمند، دارای مهارت برقراری ارتباط مؤثر بادیگران، دانش با قدرت اندیشه و تفکر خلاق، دانش دارای روحیه همکاری و کار گروهی و جمعی</p>	<p>پيامدها نتایج برنامه</p>

بعد شرایط علی در این پژوهش، شرایطی است که بدون ایجاد آنها اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه امکان پذیر نمی باشد و به دلیل شرایط علی است که ما به دنبال اصلاح و توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی هستیم. شرایط علی که در این پژوهش براساس نظرات خبرگان برنامه درسی و مطالعات انجام شده مورد شناسایی قرار گرفتند عبارتند از: ضرورت و نیاز و اهداف و مقاصد برنامه.

همچنان که جدول بالا نشان می دهد طی ۳ مرحله فن دلفی پژوهشگر به اشباع نظری رسید اما برای اطمینان بیشتر به توصیه اساتید محترم راهنما و مشاور از بارش فکری استفاده شد. نتایج حاصل نشان دهنده استفاده از فن دلفی و بارش مغزی در مرحله کد گذاری انتخابی می باشد که در مجموع یک مقوله محوری، ۵ بعد، ۱۷ مؤلفه و ۳۴۱ شاخص برای الگوی توسعه فرهنگی در نظام آموزشی دوره ابتدایی نهایی شد.

آموزشی دوره ابتدایی را شامل می‌گردد. طراحی عناصر برنامه- درسی بر مبنای تحلیل ارزش و دلالت‌های فلسفی شکل می- گیرند و در طراحی الگوی مفهومی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی، همه مؤلفه‌های تعیین شده در قالب عناصر الگوی برنامه‌درسی، جهت توسعه فرهنگ عمومی و در جهت تناسب با ماهیت نظام تربیتی به کار گرفته می‌شوند(ملکی و دیگران، ۱۳۹۷).

اعتبار یابی نظری الگو و ترسیم الگوی مفهومی

در این مرحله برای پاسخ به این پرسش که الگوی مفهومی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی کدام است؟ پژوهشگر با در نظر گرفتن ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی بر اساس کد گذاری انتخابی نهایی شده توسط خبرگان حوزه برنامه ریزی درسی و فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه الگوی پارادایمی مرحله کد گذاری محوری و ارائه روابط مستتر بین مقوله‌های موجود در الگو، نظریه خود را پیرامون پدیده محوری در قالب مجموعه ای از گزاره‌ها یا زیر گزاره‌ها ارائه می‌دهد(کرسول، ۲۰۱۴).

در این راستا پژوهشگر بر اساس تجارب و فهم خود از پدیده محوری مدل پارادایمی کد گذاری محوری یعنی توسعه فرهنگ عمومی، الهام از ادبیات نظری موجود و مصاحبه‌های مجدد با خبرگان و دریافت نظرات اصلاحی متخصصان امر و اساتید دانشگاه، الگوی مفهومی را ترسیم کرد. پس از تهیه الگوی نهایی و در راستای اعتبارسنجی نظری آن، همچنان که اشاره شد، پس از اجرای فن دلفی و بارش مغزی و استفاده از نظرات اساتید دانشگاه و خبرگان حوزه مطالعات برنامه درسی تا اشباع نظری، الگوی مورد نظر مورد تأیید قرار گرفت.

شکل ۲- الگوی مفهومی نهایی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی بر اساس کد گذاری انتخابی را نشان می‌دهد.

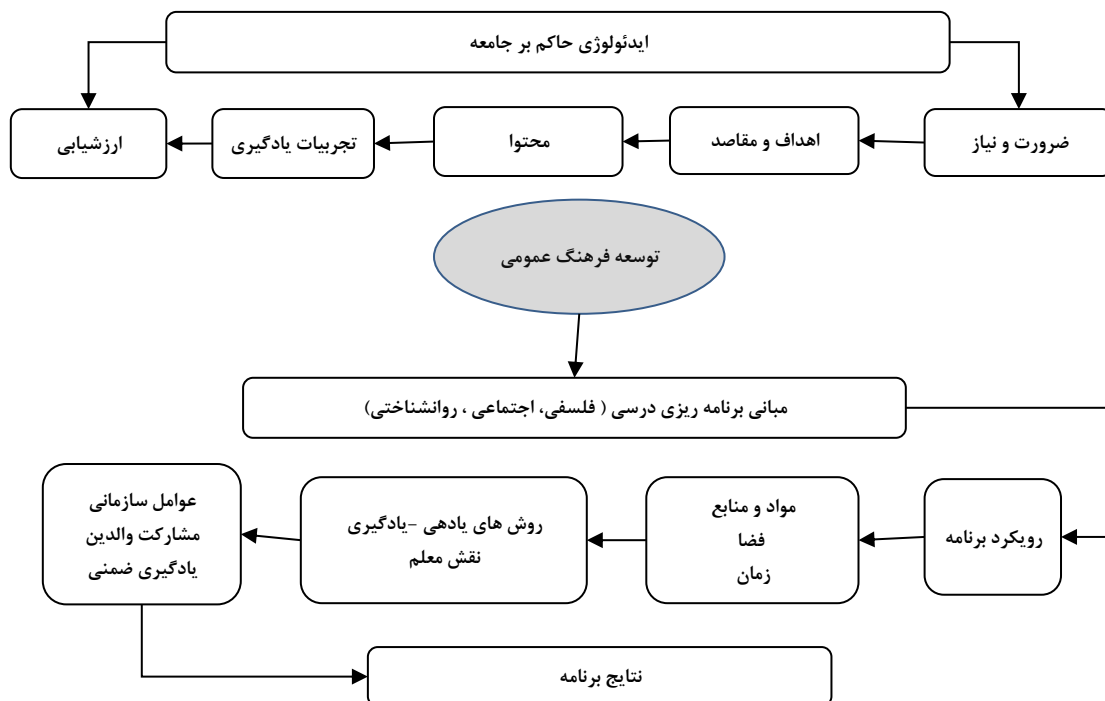
بعد شرایط زمینه ای در این پژوهش عبارت از بسترهای موجود هستند تا بتوان اقدامات و راهبردهای مناسب را انجام داد. مهم‌ترین زمینه‌هایی که به دست آمده عبارتند از: ایدئولوژی حاکم بر جامعه، مبانی برنامه‌ریزی درسی، رویکرد برنامه، مواد و منابع یادگیری، فضا و زمان.

بعد شرایط مداخله‌گر به عنوان شرایط زمینه‌ای عمومی بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. مهم‌ترین شرایط مداخله‌گر در الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی به دست آمده عبارتند از: عوامل سازمانی، مشارکت والدین و یادگیری ضمنی.

بخش دیگر الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی شامل راهبردهایی است که باید انجام شوند. تا اصلاح توسعه فرهنگ عمومی محقق شود. راهبردها ناظر به کنش و اقدامات هستند و روش‌هایی را برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه ارائه می‌کنند. مهم‌ترین راهبردهایی که به دست آمده عبارتند از: انتخاب و سازماندهی محتوا، انتخاب تجربیات- یادگیری، انتخاب و سازماندهی روش‌های یاددهی- یادگیری، در نظر گرفتن نقش معلم و نحوه ارزشیابی.

پیامدها به عنوان خروجی حاصل از بکارگیری راهبردها می‌باشند. در الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی، مهم‌ترین پیامدی که به دست آمد، نتایج برنامه می‌باشد. نتایج برنامه براساس ارائه الگوی مذکور پرورش مؤلفه- های نگرشی، دانشی و مهارتی فراگیران می‌باشد.

مقوله محوری در الگوی طراحی شده، توسعه فرهنگ عمومی می‌باشد که در واقع مضمون اصلی الگو است. این مقوله محوری را می‌توان به پنج بعد (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌ای، راهبردها و پیامدها) الگوی مفهومی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی به صورت منطقی ارتباط داد. به این نحو که توسعه فرهنگ عمومی، مفهومی انتزاعی با شمول متعدد در سطوح مختلف نظام آموزشی را شامل می‌گردد و انتظار همگرایی همه عناصر از شورای عالی آموزش و پرورش به عنوان بالاترین سطح تصمیم‌گیری تا سطح کلاس درس حتی بیرون از مدرسه برای تحقق اهداف مصوب نظام



شکل ۲- الگوی مفهومی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی

پس از تهیه الگوی نهایی و در راستای اعتبارسنجی نظری آن، بعد از اجرای فن دلفی و بارش مغزی و استفاده از نظرات اساتید دانشگاه و خبرگان حوزه مطالعات برنامه‌درسی تا اشباع نظری، الگوی مورد نظر مورد تأیید قرار گرفت. قابل ذکر است در این راستا، تحلیل مصاحبه‌ها از طریق انجام تحلیل مقایسه‌ای پیوسته داده‌ها و در نظر گرفتن طیف مفاهیم به طور مرتب انجام شده و در طول کدگذاری سه مرحله‌ای سعی بر استخراج ویژگی‌های مرتبط با مفاهیم و مقوله‌ها شده است. همچنین با استفاده از مقایسه نظری با تجارب و تخصص پژوهشگران و هرآنچه در ادبیات نظری و نتیجه پژوهش‌های داخلی و خارجی در خصوص نظام آموزشی دوره ابتدایی و مفاهیم مرتبط با توسعه فرهنگ عمومی با آن وجود دارد، نقاط افتراق و تشابهات مدنظر قرار گرفته و با سایر منابع به خصوص اسناد بالادستی آموزش و پرورش و متن مصاحبه‌ها مورد تطبیق و ارزیابی قرار گرفته است. علاوه بر این در تحقیق حاضر، از نقطه نظرات و دیدگاه‌های متنوع شرکت‌کنندگان با ذهن باز کاوش شده و متن‌های پیاده شده با توجه به سؤالات پژوهش بارها بررسی گردیده است. تبیین الگوی مفهومی مناسب توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی با استفاده از منابع مختلف داخلی و خارجی، روش‌های مختلف گردآوری داده‌ها در قالب مصاحبه، مطالعه ادبیات نظری و اسناد بالادستی آموزش و پرورش و بررسی‌های چندگانه پژوهشگران و سه سوسازی آن‌ها انجام

پذیرفته و به منظور اطمینان خاطر بیشتر از اعتبار الگو گزارش نهایی ارائه الگو در اختیار پژوهشگرانی که در مصاحبه و فن دلفی حضور داشتند قرار گرفته و اعمال پیشنهادها آن‌ها به اعتبار الگو کمک شایانی نموده است. از طرفی انتخاب مشارکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری نظری صورت پذیرفته و افرادی برای مصاحبه انتخاب شده‌اند که بیشترین بازده نظری را در مصاحبه داشته باشند. همچنین رسیدن به اشباع داده‌ها در فرایند گردآوری اطلاعات به ویژه در مصاحبه‌ها و چندین بار مشارکت پژوهشگران و اطمینان از رسیدن به کفایت لازم داده‌ها برای پروراندن مفاهیم و مقولات مورد نیاز یعنی اشباع نظری نیز دلیلی بر تبیین مرتبط نظریه از مسئله اصلی پژوهش حاضر یعنی ارائه الگوی مفهومی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی مبتنی بر نظریه برخاسته از داده‌ها بوده است.

نتیجه گیری

در این پژوهش سعی شد، الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی، با استفاده از نظریه برخاسته از داده‌ها طراحی گردد. در این راستا تحلیل یافته‌ها مبین آن است که الگوی مذکور در پنج بُعد، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها و در قالب ۱۷ مؤلفه ضرورت و نیاز، اهداف و مقاصد برنامه، ایدئولوژی حاکم بر جامعه،

کشورها همراه با انتقال دانش، نفوذ استعمار در شکل نوین و از جنبه فرهنگی و عدم برنامه‌ریزی‌های فرهنگی دربرگیرنده مدل‌ها و الگوهای مناسب جهت سیاست‌گذاری نهادهای زنجیره‌ای تأثیرگذار در تربیت و آموزش، این ضرورت را ایجاد کرد که الگویی طراحی شود و توسعه فرهنگ عمومی توسط این الگو در برنامه‌ریزی نهادهای ذیربط و به طور خاص نهاد آموزش و پرورش و عرصه تعلیم و تربیت، برنامه‌های آموزشی و در برنامه‌های درسی مد نظر قرار گیرد. با استفاده از چنین الگویی می‌توان تغییراتی را در برنامه‌درسی نظام آموزشی دوره ابتدایی جهت توسعه فرهنگ عمومی با استفاده از تمام پتانسیل موجود و از طریق همه حلقه‌های یادگیری به وجود آورد.

بنابراین با توجه به پدیده جهانی شدن، بنابر تاکید چشم-اندازهای داخل و خارج از کشور بر مقوله فرهنگ عمومی، نیازمند نوعی نگاه جهانی به آموزش و به تبع آن فراگیران هستیم. پس می‌توان ادعان داشت ضرورت و نیاز به عنوان مقوله‌ای مهم می‌تواند جایگاه خاصی در توسعه فرهنگ عمومی داشته باشد همچنان که نتایج پژوهش شیرکرمی (۱۴۰۱)، علی‌رغم ارائه الگوی مناسب جهت رفع آسیب‌های وضعیت نامطلوب فرهنگی، بیانگر معضلات فرهنگی جامعه کنونی است و بر لزوم ارائه راهکار مناسب برای رفع مسائل فرهنگی همسو با پژوهش حاضر بر مقوله ضرورت و نیاز توسعه فرهنگ عمومی، تاکید دارد. همچنین نتایج پژوهش مگیل رودریگز^۱ (۲۰۱۹) که تحولات فردی، اجتماعی و مادی را به عنوان جامعه جهانی مبتنی بر ارزش‌ها و محافل فرهنگی و بررسی و نقد اجتماعی-انتقادی را به عنوان گفتمان عمومی در نظر گرفته است و نیز نتایج تحقیق هانتزوپولوس^۲ و همکارانش (۲۰۲۱) بر نابرابری‌ها در تحصیل در بین خطوط نژادی، اقتصادی، جغرافیایی و زبانی و سیاست‌های مسلط بر برنامه‌های اصلاحات آموزش نیز بر مقوله ضرورت و نیاز در توسعه فرهنگ عمومی اشاراتی دارند و با نتایج پژوهش حاضر همسو هستند. علاوه بر آن ایجاد کنترل اجتماعی، ایجاد امنیت، جلوگیری از تهدیدها، جلوگیری از تهاجم فرهنگی، رفع معضلات اجتماعی و ارتقاء توانمندی‌های جامعه نیز از ضرورت‌های توسعه فرهنگ عمومی محسوب می‌شوند. ضرورت و نیاز می‌تواند اساسی برای تدوین اهداف الگوی مفهومی توسعه فرهنگ عمومی باشد و ما می‌توانیم براساس ضرورت و نیازهای مورد نظر اهداف الگوی مذکور را استخراج کنیم. اهدافی که از رعایت و عمل به ارزش‌های فرهنگی در سطح ملی و جهانی تا تکوین توسعه و تعالی شخصیتی فراگیران برای برخورداری جامعه از فرهنگ عمومی را در برمی‌گیرند. بنابراین توجه به

مبانی برنامه‌ریزی، مواد و منابع یادگیری، فضا، زمان، عوامل سازمانی، مشارکت والدین، یادگیری ضمنی، تجربیات یادگیری، روش‌های یاددهی-یادگیری، نقش معلم، ارزشیابی و نتایج برنامه، با ۳۴۱ شاخص حول مقوله محوری توسعه فرهنگ عمومی شکل می‌گیرد. در این ارتباط و بر مبنای مدل پارادایمی و مفهومی ارائه شده در بخش یافته‌های پژوهش، ایدئولوژی حاکم بر جامعه به عنوان مهم‌ترین عامل از شرایط زمینه‌ای بر تمامی مؤلفه‌های الگوی مذکور تأثیرگذار بوده و مؤلفه‌های ضرورت و نیاز، اهداف و مقاصد برنامه، محتوا، تجربیات یادگیری و ارزشیابی جهت توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی و پس از عبور از فیلتر مبنای فلسفی اجتماعی و روانشناختی برنامه‌ریزی درسی تعیین کننده رویکرد برنامه، مواد و منابع، فضا، مکان، زمان، روش‌های یاددهی-یادگیری، نقش معلم، عوامل سازمانی، مشارکت والدین و یادگیری ضمنی خواهند بود. بدیهی است که در نظر گرفتن شرایط زمینه‌ای، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و به کارگیری راهبردهای مورد نظر حول مقوله محوری پژوهش یعنی توسعه فرهنگ عمومی، پیامدهای برنامه و نتایجی نظیر پرورش مؤلفه‌های دانشی، مهارتی و نگرش دانش‌آموزان را به همراه خواهد داشت. بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده در عرصه توسعه فرهنگ عمومی در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد که برخی خلأهای پژوهشی در این رابطه موجود است. به طور کلی الگوی مفهومی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی به عنوان اولین الگوی بومی و ملی با رویکرد نظریه داده-بنیاد پارادایمی در واکنش به شرایط نامطلوب فرهنگ عمومی جامعه و با هدف آموزش دانش‌آموزان از دوره ابتدایی که مهم-ترین دوره تحصیلی در نظام‌های آموزش و پرورش و دوران شکل‌گیری شخصیت و رشد همه جانبه افراد، رشد مفاهیم و معانی و دوره تداوم بخشیدن به رشد شناختی و اجتماعی کودک است، طراحی شده است. این پژوهش با آسیب‌شناسی وضع موجود و ارائه الگویی جامع برای رفع آن‌ها برخلاف پژوهش‌های قبلی که یا به بررسی شاخص‌های فرهنگ عمومی پرداخته یا وظایف و نقش برخی از نهادها را در عرصه فرهنگ عمومی تبیین کرده بودند، به دنبال این است که الگویی مناسب برای سیاست‌گذاری عرصه فرهنگ عمومی، اصلاح و ارتقای آن ارائه دهد. تعاریف محدود از فرهنگ عمومی و توسعه آن، فرایند جهانی شدن و رشد پیشرفت وسایل ارتباط جمعی فناوری و تکنولوژی، تولید و توزیع دانش در کشورهای قدرتمند و انتقال سریع آن به کشورهای ضعیف‌تر و بالطبع انتقال فرهنگ این

^۲. Hantzopoulos

^۱. Magill Rodriguez

واضح است که هر مجموعه‌ای از روابط اجتماعی مستلزم معانی و ساختاری است که زیربنای آن‌ها را تشکیل دهند و موجب بقایشان گردند.^۵ به بیان آلتوسر^۶، ایدئولوژی تنها مجموعه‌ای از عقاید اعمال شده بر طبقه فرودست جامعه توسط طبقات حاکم نیست، بلکه روندی پویا و در جریان است که پی‌درپی در عمل باز تولید و بازسازی می‌شود. نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده، نظام آموزشی، زبان، رسانه‌ها، نظام سیاسی و غیره، گرایش به رفتار و فکر کردن در شیوه مورد قبول اجتماعی رادر مردم یک جامعه به وجود می‌آورند. درست برخلاف نیروی پلیس یا قانون که مردم را مجبور به رفتار بر طبق هنجارهای اجتماعی می‌کنند، هنجارهای اجتماعی در کارکردهای روزمره دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت محقق می‌شوند. (جان فیسک^۵، ۱۹۹۲). در این رابطه نتایج تحقیق زوربا و گالیپ^۶ (۲۰۱۹) بر لزوم آگاهی بین فرهنگی، صادقی (۱۴۰۱) و صافی اصفهانی (۱۴۰۰) با بیان تعیین مسائل و خط مشی گذاری عمومی با مطالب مذکور همسو می‌باشد.

رویکرد برنامه، مواد و منابع فضا، زمان بستر خاصی را برای یادگیری و ایفای نقش معلم فراهم می‌آورند و بدیهی است که قبل از تعیین رویکرد برنامه مواد و منابع، فضا، زمان و دیگر مؤلفه‌های الگو عناصر اساسی برنامه باید از فیلتر مبانی و فلسفی اجتماعی و روانشناختی عبور کرده، پالایش شوند و برنامه‌ریزی‌ها براساس این مبانی انجام پذیرند. نتایج تحقیق شیرکرمی (۱۴۰۱) با آسیب شناسی مسائل جامعه در پرتو فرهنگ با نگاه روانشناختی و نتایج تحقیق حسین زاده، زاهدپاشا و قدرتی (۱۳۹۹) نیز با نتایج پژوهش همسو می‌باشد.

معلم نقش تأثیرگذاری بر روش‌های یاددهی-یادگیری و ارزشیابی دارد. همان‌طور که بسیاری از متخصصان امر معتقدند که نقش معلم در توسعه تعاملات اجتماعی و کارگروهی دانش‌آموزان بسیار ضروری است، همان‌طور که خنفر^۷ (۲۰۲۱) در پژوهشی بر ایجاد فرهنگ کارگروهی در بین دانش‌آموزان از دیدگاه معلمان و نیز جمال رزی^۸ (۱۳۹۷) در پژوهشی دیگر ویژگی شخصیتی تربیت دینی، اخلاقی، کاراندیشی، صلاحیت و شایستگی‌ها، تدریس مؤثر، مدیریت کارآمد کلاس و نظارت و ارزشیابی معلم پرداخته‌اند. عوامل سازمانی با اجرای برنامه‌های توانمندسازی، با پشتیبانی از برنامه‌ها، نقش تأثیرگذار به عنوان مداخله‌گر در الگوی توسعه فرهنگ عمومی دارند. مشارکت والدین به عنوان بعد مغفول برنامه درسی نیز می‌تواند به عنوان

هدف در این الگو امری ضروری است چرا که اگر لازم است الگوی مفهومی توسعه فرهنگ عمومی طراحی شود و اگر قرار است که تلاش‌هایی برای اصلاح و بهبود انجام گیرد، اهداف باید واضح و مشخص باشند. نتایج پژوهش کوئل^۱ و هانگرفورد^۲ (۲۰۱۷) بر لزوم اینکه دانش‌آموزان خودشان باید منشأ ساخت دانش باشند و ارتباطات خود را با کشورهای دیگر تجزیه و تحلیل کنند و همچنین نتیجه تحقیقات قربانی، درزی و یعقوبی (۱۴۰۰) و تاگاتانی (۲۰۱۹) مبنی بر لزوم بازسازی و تجدید ساختار ارزش‌های فرهنگی با هدف ایجاد تغییرات اجتماعی، فرهنگی و ارائه الگوی یکپارچه سازی دستور کار نهادهای فرهنگی با نتایج تحقیق همسو بوده ولی در ارائه الگوی مفهومی متناسب با نیازهای روز جامعه و توجه به نهاد مهم آموزش و پرورش غیر همسو می‌باشد. از سویی دیگر تنظیم محتوای الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی با توجه به اهداف استخراج‌شده از ضرورت و نیازها امکان‌پذیر است. محتوا باید به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌ها مورد توجه خاص قرار گیرد. در این ارتباط با توجه به نتایج پژوهش ناصری و آرمند (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان بررسی مولفه‌های فرهنگ عمومی در کتب فارسی دوره ابتدایی و نتایج پژوهش شهیدی، احمدی، صمدی (۱۳۹۲) در تحلیل محتوای انجام شده از کتب درسی با بیان کم توجهی به محتوای آموزشی توسعه فرهنگ عمومی به خصوص در دوره تحصیلی ابتدایی، در این زمینه باید برنامه‌ریزی منسجمی به منظور تدوین و طراحی محتوای الگوی توسعه فرهنگ عمومی انجام شود. لازم به ذکر است که اگرچه پژوهش‌های مذکور با تأکید بر لزوم بکارگیری مولفه‌های فرهنگ عمومی جهت ارتقای فرهنگی با پژوهش حاضر همسو می‌باشند ولی در هیچ کدام از پژوهش‌ها الگوی مناسبی جهت ارائه به مراجع ذیربط ارائه نشده است. در ادامه باید توجه داشت انتخاب و سازماندهی محتوا نقش تأثیرگذاری بر تجربیات یادگیری خواهد گذاشت و در این بین نمی‌توان نقش ایدئولوژی حاکم بر جامعه را به عنوان پایه و بنیان تمام تحقیقات فرهنگی نادیده گرفت. معانی اجتماعی و نحوه ایجاد آن معانی که با یکدیگر فرهنگ را به وجود می‌آورند، به طرز تفکیک-ناپذیر به ساختار اجتماعی مربوط می‌شوند و تنها در چارچوب آن ساختار و پیشینه‌اش قابل توضیح هستند. این ساختار اجتماعی به وسیله معانی‌ای که فرهنگ را می‌سازد، به طور متناظر حفظ می‌شود. همان‌طور که استوارت هال^۳ می‌گوید: "پر

⁵. Fiske

⁶. Zorba & Galip

⁷. Khanfar

⁸. Jamal Razi

¹. Kuehl

². Hangerford

³. Stuart Hall

⁴. Louis Althusser

تدوین کتب درسی و سازمان پژوهش برنامه ریزی پیشنهاد می شود الگوی مورد نظر را در برنامه درسی دوره ابتدایی کاربردی و عملیاتی ساخته و با بستر سازی مناسب کتابی با عنوان فرهنگ عمومی در میان محتواهای آموزشی دوره ابتدایی تدوین نمایند.

۳- رابطه پژوهش با ارائه الگوهای آموزشی یک ضرورت ذاتی است، لذا باید موضوعات پژوهشی مورد نیاز جامعه براساس اولویت‌ها و بر مبنای برنامه‌های سازمانی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه سند ملی مشخص شده به شکل کاربردی و بنیادی انجام شوند؛ الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی یکی از اولویت‌های جامعه محسوب می‌شود. ۴- با توجه به نقش گذاری مواد و منابع آموزشی در امر توسعه فرهنگ عمومی پیشنهاد می‌شود که مدارس ما به منابع مجازی و غیرمجازی نظیر کتابخانه‌های مجهز، پوسترها، عکس‌ها، ماکت‌ها، فیلم‌های آموزشی، کامپیوتر و ابزارآلات الکترونیکی و سایر منابع تاثیر گذار مجهز شوند. ۵- پیشنهاد می‌شود که با ایجاد کارگروه‌های متفاوت و متخصص در ارتباط با برنامه درسی دوره ابتدایی، اهداف و محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، بخصوص در دروسی نظیر تعلیمات اجتماعی برای گنجاندن مفاهیم و مؤلفه‌های توسعه فرهنگ عمومی، مورد بازنگری‌های اساسی قرار گیرند. ۶- بر اساس یافته‌های این پژوهش به دست اندرکاران برنامه ریزی درسی نظام آموزشی دوره ابتدایی ایران پیشنهاد می‌شود نسبت به ارکان اصلی و عناصر توسعه فرهنگی برنامه‌های درسی آگاهی عمیق پیدا کرده و به طور هدفمند مولفه‌های توسعه فرهنگ عمومی را برای دستیابی به قابلیت حداکثری برنامه‌های درسی به کار گیرند.

پیشنهاد‌های پژوهشی

۱- پیشنهاد می‌شود پژوهشگران آتی تحقیقاتی گسترده‌تر در دو بعد کمی و کیفی در زمینه آسیب شناسی مسائل فرهنگ عمومی جامعه و ارائه الگوهای جامع مفهومی همگام با اسناد توسعه ای انجام دهند. ۲- پیشنهاد می‌شود در رابطه با اسناد بالادستی مرتبط با پژوهش حاضر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برنامه درس ملی، مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبات شورای فرهنگ عمومی و مجلس، پژوهشی کیفی با هدف تحلیل محتوا جهت سیاست‌گذاری‌های مطلوب و رفع چالش‌های موجود انجام پذیرد. ۳- پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی با محوریت بررسی و آسیب شناسی موانع دستیابی به فرهنگ عمومی مطلوب توسط پژوهشگران آتی انجام پذیرد تا بتوان مبتنی بر نتایج این گونه

یکی از عوامل، نقش معلم را در فرایند یاددهی- یادگیری تحت تاثیر قرار دهد. عراقیه (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان مشارکت والدین بعد مغفول برنامه‌درسی نقش والدین را در ثمربخش بودن برنامه‌های درسی بدیهی و غیر قابل انکار بیان نموده است. پژوهش زارعی (۱۳۹۸) نیز با اشاره به تقویت فرهنگ مشارکت فرآیندهای مدیریتی و تربیتی مدارس در نظام آموزشی کارآمد با نتایج به دست آمده همسو می‌باشد. ضمناً باید توجه کرد که نقش معلم می‌تواند تحت تاثیر یادگیری ضمنی و عوامل سازمانی قرار گیرد و معلم باید قسمتی از اقدامات و روش‌های آموزشی خود را با توجه به این عوامل سازماندهی کند. در این ارتباط نقش معلم در رابطه با یادگیری ضمنی بسیار موثر است چراکه می‌تواند با یک برنامه‌ریزی دقیق، بخشی از یادگیری ضمنی فراگیران که در مقابل با برنامه رسمی مدارس است را تصحیح و بازنگری کند. در این زمینه نتایج پژوهش سانتوس^۱ (۲۰۰۴) با نتایج به دست آمده مشابهت دارد. سانتوس در پژوهشی نتیجه گرفته است که بسیاری از مفاهیم آموزشی در برزیل تحت یادگیری ضمنی فراگرفته شده که معمولاً در آموزش‌های رسمی نادیده گرفته می‌شوند. همچنین نقش معلم در ارتباط با عوامل مداخله‌گر (عوامل سازمانی، مشارکت والدین و یادگیری ضمنی) در بسترهای مناسب فراهم شده، موجب به وجود آمدن پیامدها و نتایج مثبت پرورش مؤلفه‌های دانشی، نگرشی و مهارتی فراگیران خواهد شد. که نتایج پژوهش پاگلیس^۲ (۲۰۱۵) نیز حاکی از این امر است. وی بیان کرده است که یک برنامه‌درسی که به خوبی طراحی شده و در آن برای یادگیری مشارکتی اهمیت و جایگاه خاصی در نظر گرفته شده باشد می‌تواند در پرورش شهروندان با فرهنگ بسیار مؤثر باشد.

در پایان با توجه به یافته‌های پژوهش، برای بکارگیری الگوی مفهومی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزشی دوره ابتدایی پیشنهاداتی ارائه شده است که به اختصار ذکر می‌شود.

پیشنهاد‌های کاربردی و عملیاتی

این پژوهش با هدف ارائه اولین الگوی نظام مند و جامع جهت ارائه الگوی توسعه فرهنگ عمومی در نظام آموزش دوره ابتدایی به دلیل استفاده از شاخص‌های بومی، ملی و نظام ارزش‌های اسلامی و نیز رویکرد نظریه داده بنیاد پارادایمی دارای نوآوری است. لذا با ابتدای به نتایج حاصل از این پژوهش ۱- نظام مند نمودن الگوی به دست آمده جهت بکارگیری و ضمانت اجرایی آن به سیاست‌گذاران و مسئولان پیشنهاد می‌شود. ۲- به مسئولان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی کشور ایران، متصدیان

^۲. Pugliese

^۱. Santos

زعفرانیه، تهران، مقاله پژوهشی، فصلنامه شهر پایدار، زمستان ۱۴۰۱، دوره پنجم، شماره ۴، ص ۱۴۲-۱۲۵.

* ذوالقدر، حسین؛ رضوی زاده، سیدنورالدین و نجف زاده، مهدی.(۱۴۰۱). زمینه های ظهور و مولفه های تلویزیون جهانی در شبکه های برون مرزی سیمای چ. ا. ا. مقاله پژوهشی، فصلنامه رسانه های دیداری و شنیداری، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۴۴، ص ۹۵-۱۳۲.

* - رحمانی تیرکلایی، حسین؛ جمشیدی راد، محمدصادق؛ محمدنژاد، فرهاد و رفیعی، مهناز. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر معنویت و ایمان بر تقویت فرهنگ عمومی از منظر قرآن، حدیث و عرفان، مقاله پژوهشی، فصلنامه علمی عرفان اسلامی، سال هفدهم، شماره ۶۷، بهار ۱۴۰۰، ص ۱۰۰-۷۹.

* - رزی، جمال؛ امام جمعه، سیدمحمدرضا؛ احمدی، غلامعلی و صالح صدق پور، بهرام. (۱۳۹۷). شناسایی و اعتبارسنجی ویژگی های معلم اثربخش دوره ابتدایی، مقاله پژوهشی، دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، سال ششم، شماره ۱۲، ص ۹۳-۱۲۶.

* - رفیع پور، فرامرز.(۱۴۰۰). توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران(چاپ دوم)، تهران: شرکت سهامی انتشار.

* - زارعی، احمد؛ دهقانی و صالحی، کیوان. (۱۳۹۸). واکاوی محدودیت های مشارکت والدین در مدارس متوسطه: مطالعه ای با رویکرد پدیدار شناسانه، مقاله پژوهشی، دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، سال هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره ۱۴، ص ۷۱-۹۶.

* - زاهد پاشا، سعید؛ نیازآذری، کیومرث و تقوایی یزدی، مریم.(۱۳۹۹). بررسی تأثیر فن آوری های نوین و چند زمانه بودن دانشگاه ها بر فرهنگ عمومی. مقاله پژوهشی، فصلنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، سال یازدهم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۹، ص ۲۷-۴۶.

* - شعبانی، قاسم؛ فقیهی، علیرضا و محمدی نائینی، مژگان. (۱۴۰۲). هویت انسانی در مقارنه اسلام و جهانی شدن و مواضع کلام کاربردی، مقاله پژوهشی، فصلنامه پژوهش های اعتقادی کلامی، بهار ۱۴۰۲، شماره ۴۹، ۱۶۰-۱۳۹.

* - شهیدی، سارا و احمدی، پروین و صمدی، پروین. (۱۳۹۲). مولفه های فرهنگ عمومی در کتاب های درسی دوره ابتدایی، مقاله علمی، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهاردهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۳(پیاپی ۵۵)، ص ۷۷-۱۰۶.

پژوهش ها گام های استوارتری جهت استقرار فرهنگ عمومی مطلوب در جامعه برداریم. ۴- پژوهشگران در آینده می توانند با استفاده از الگوی تدوین شده در پژوهش حاضر به ارزیابی شاخص های فرهنگ عمومی در نظام های آموزشی از طریق پژوهش طولی بپردازند.

فهرست منابع

* آیتی، محسن؛ خوش دامن، صدیقه. (۱۳۹۱). فرهنگ برنامه درسی و سبک های تدریس ویادگیری، مقاله پژوهشی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، دوره ۷، شماره ۲۶، ص ۱۷۲-۱۴۹.

* - ابایی فیجانی، محسن؛ الهی منش، محمدحسنو محسنی مشتقین، علی. (۱۴۰۱). تأثیر جهانی شدن بر تحول گفتمان مفهوم شهروندی در دولت های هاشمی تا احمدی نژاد، مقاله پژوهشی، فصلنامه جامعه شناسی ایران، دی ۱۴۰۱، شماره ۲۶، ص ۲۷۵۳-۲۷۳۴.

* - استرواس، انسلم.(۱۴۰۱). مبانی پژوهش کیفی(سری دهم). ترجمه ابراهیم افشار زغالی، تهران: نشر نی.

* - بقائی پور، پریرسا.(۱۳۹۴). نقش فرهنگ در برنامه درسی دانش آموزان، مقاله همایشی، کنفرانس جهانی افق های نوین در علوم انسانی، آینده پژوهی و توانمندسازی، شیراز.

* - بلوتین ژوزف، پاملا و دیگران.(۲۰۲۰). فرهنگ های برنامه درسی(چاپ اول)، ترجمه دکتر محمود مهرمحمدی و همکاران، تهران: سمت.

* - پورسلیم، عباس؛ عارفی، محبوبه و فتحی واجارگاه، کورش. (۱۳۹۶). طراحی الگوی برنامه درسی تربیت شهروند جهانی در دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران: مدلی برآمده از نظریه داده بنیاد، مقاله پژوهشی، فصلنامه اندیشه های توین تربیتی، دوره ۱۳، شماره ۳، شماره پیاپی ۴۵، ص ۷-۳۶.

* - حسین زاده، حسین؛ سعیدی، علیرضا و حکیمی نیا، بهزاد.(۱۳۹۹). بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه های مجازی و همنوایی با فرهنگ عمومی در شهر اصفهان (مورد مطالعه؛ خانواده های مراجعه کننده به دادگاه خانواده)، مقاله پژوهشی، دو فصلنامه پژوهش های اجتماعی پلیس، سال دوم، شماره ۴، ص ۷-۳۴.

* - خورشیدی، عباس.(۱۴۰۱). روش های پژوهش در علوم انسانی با رویکرد عملی(چاپ دوم)، تهران: یسطرون.

* - دستواره، فرشته؛ صرافی، مظفر و توکلی نیا، جمیله.(۱۴۰۲). واکاوی پیامدهای مدرنیزاسیون و جهانی شدن در ایجاد نفوت فضایی میان محله های امیریه و

- * - شیرکرمی، جواد (۱۴۰۱). آسیب‌های جامعه در پرتو فرهنگ با نگاه روانشناختی، مقاله پژوهشی، نشریه پژوهش و مطالعات اسلامی، اسفند ۱۴۰۱، سال چهارم، شماره ۴۴، ص ۸-۱.
- * - صادقی، حامد (۱۴۰۱). بررسی تاثیر فرهنگ بر خط مشی گذاری در ایران، مقاله پژوهشی، فصلنامه رویکردهای پژوهشی در مدیریت و حسابداری، سال ششم، شماره ۸۴، بهار ۱۴۰۱، ص ۲۱۱۲-۲۱۰۲.
- * - صافی، احمد (۱۴۰۱). آموزش و پرورش ابتدایی. راهنمایی تحصیلی متوسطه (چاپ ۱۹)، تهران: سمت
- * - صافی اصفهانی، محمد وحید؛ عطاردی، محمدرضا و نصراله‌ی، محمدصادق (۱۴۰۱). الگوی تعیین مسائل در فرایند خط مشی گذاری سازمان‌های فرهنگی بخش عمومی، مطالعه موردی : سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان، مقاله پژوهشی، دو فصلنامه دین و ارتباطات، سال بیست و نهم، شماره دوم (پیاپی ۶۲)، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ص ۲۲۰-۱۸۹.
- * - طباطبایی، سیدمصطفی (۱۴۰۰). عوامل و موانع تحقق باورهای دینی در فرهنگ عمومی جامعه (مطالعه موردی: رویکرد شهید مطهری به دین، با تکیه بر آیات قرآن کریم)، مقاله پژوهشی، فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، سال اول، شماره ۴۵، ص ۱۱۹-۹۸.
- * - طالبی، سعید، مظلومیان و صیف، محمدحسن (۱۴۰۰). اصول برنامه ریزی درسی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
- * - عراقیه، علیرضا (۱۳۹۹). مشارکت والدین بعد مغفول برنامه درسی. فصلنامه علمی پژوهش‌نامه تربیتی، مقاله پژوهشی، سال شانزدهم، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۶۵، ص ۱۴۸-۱۳۳.
- * - قدرتی، حسین؛ قدرتی و شفیعه بازیدی، مهرداد (۱۳۹۹). مسائل فرهنگ عمومی با تأکید بر موضوع شهر ویزی و اخلاق اجتماعی شهروندان شهر سبزوار، مقاله پژوهشی، فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، سال پانزدهم، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۹، ص ۱۵۳-۱۱۹.
- * - قراملکی، محمدرضا (۱۳۹۸). تحلیل بر تاثیر الگوهای توسعه غربی در فرهنگ عمومی جوامع دینی و تاثیرات آن بر آسیب های اجتماعی جامعه ایران، مقاله پژوهشی، دو فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب های اجتماعی، دانشگاه شاهد، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸ (پیاپی ۱)، ص ۱۷۸-۱۵۹.
- * - قربانی درزی محله، رحمان؛ زارعی محمود آبادی، حسن؛ فلاح زاده، علی محمد (۱۴۰۰). فرهنگ عمومی ایران و تحقق حقوق شهروندی، مقاله پژوهشی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین المللی، دوره ۱۲، شماره ۴۹، اسفند ۱۴۰۰، ص ۱۹۵-۱۸۵.
- * - گیدنز، آنتونی (۱۴۰۰). جامعه شناسی (چاپ ۱۹)، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- * - محمدلو، فائزه؛ محمدلو، مائده و جعفری ماهو، مهسا (۱۴۰۲). چگونه می‌توان فرهنگ ملی و ایرانی را در دانش آموزان ابتدایی نهادینه کرد؟، مقاله پژوهشی، نشریه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (موسسه آموزش عالی نگاره)، بهار ۱۴۰۲، شماره ۴۶، ص ۱۳۸-۱۱۹.
- * - ملکی، حسن (۱۴۰۱). برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)، مشهد: انتشارات پیام اندیشه.
- * - منصوری، جواد (۱۳۹۲). جایگاه فرهنگ عمومی در دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه، مقاله پژوهشی، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۵، ص ۱۹۴-۱۸۱.
- * - مهرآوران، محمود و صفری، احمد (۱۴۰۱). سنجش برخی از باورها در فرهنگ عمومی با آیات قرآن، مقاله پژوهشی، فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، دوره ۳، شماره ۱، پیاپی ۷، تیر ۱۴۰۱، ص ۱۳۵-۱۱۰. سال سوم،
- * - میرزا محمدی، محمدحسن (۱۴۰۱). فرهنگ عمومی. تهران: دانشگاه جامع علمی کاربردی
- * - ناصری، فاطمه و آرمند، محمد (۱۴۰۰). بررسی مولفه‌های فرهنگ عمومی در کتب فارسی دوره ابتدایی، مقاله پژوهشی، فصلنامه چشم انداز برنامه درسی و آموزش، سال اول، شماره ۳، ص ۷۳-۵۷.
- * - نصیری فیروز، عیله‌رضا؛ ابیلی، خدایار و پورکریمی، جواد (۱۴۰۰). فراترکیب مولفه‌های سیاست گذاری فرهنگی در نظام آموزش عالی، مقاله پژوهشی، مجله مدیریت فرهنگی، سال چهاردهم، شماره ۵۳، پاییز ۱۴۰۰، ص ۱۶-۱.
- * - واعظی، هدی سادات و حسینی، علی (۱۴۰۲). تحلیل وضعیت حضور زنان در مناصب سیاسی در جهان معاصر و ایران (از دهه سوم قرن بیست و یکم)، مقاله پژوهشی، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۲۱، بهار ۱۴۰۲، شماره ۱، ص ۱۹۰-۱۶۵.
- * - یعقوبی، رضا؛ رضایی، علی اکبر، عامری شهبابی، محسن و سلیمانی، ندا (۱۴۰۰). شناسایی عناصر تشکیل دهنده الگوی یکپارچه سازی دستورکارهای شورای فرهنگ

- Mainstream Schools in Ireland –Improving Schools, V 23 n 2 p 159 - 174
- * -Roberts Dorothy.1998.Killing the Black Body:Race Reproduction and the Meaning of Liberty.New York:Vintage.
- * -Riadini, Ulya Safira; Cahyono, Bambang Yudi.(2021),The Analysis of the Culture-Related Contents in an Indonesian English Textbook,Indonesian Journal of English Language Teaching and Applied Linguistics, v5 n2 p285-295 2021 ERIC Number: EJ1297205 Record Type: Journal Publication Date: 2021 Pages: 11 Abstractor: As Provided ISBN: N/A ISSN: ISSN-2527-6492EISSN: N/A
- * -Ruslan, Idrus; Irham, Muhammad Aqil .(2022),The Role of Cultural Literacy and Peace Education in Harmonization of Religious Communities,Journal of Social Studies Education Research, v13 n3 p174-204 2022 ERIC Number: EJ1364254 Record Type: Journal Publication Date: 2022 Pages: 31 Abstractor: As Provided ISBN: N/A ISSN: N/A EISSN: EISSN-1309-9108
- * -Santos. M. A. (1992). Discovering New Paths for Global Citizenship Education in Brazil: Three Case Studies. A thesis submitted in conformity with the requirements for the degree of Master of Arts, Department of Curriculum. Teaching and Learning, Ontario Institute for Studies in Education of the University of Toronto. Available online at: <http://search.proquest.com/index>
- * -Tuia, Tagataese Tupu.(2019). Globalization, Culture and Education in Samoa,International Online Journal of Primary Education, v8 n1 p51-63 2019 ERIC Number: EJ1243523 Record Type: Journal Publication Date: 2019 Pages: 13 Abstractor: As Provided ISBN: N/A ISSN: EISSN-1300-915X EISSN: N/A
- * -Yarn, Tegy S. (2022).-Urban K - 5 Public School Culture Change Principals: A Phenomenological Study on the Effective Practices of Transformational Leaders ProQuest LLC, Ph.D. Dissertation, Cardinal Stritch University
- * -Yuen, Celeste Y. M.; Leung, Kim Hung – 2022-The Role of Religion in Civic Engagement of Young People from Diverse Cultures in Hong Kong British Journal of Religious Education, v44 n1 p98 - 111 2022
- * -Zorba, Mehmet Galip; Cakir, Abdulvahit – 2019- A Case Study on Intercultural Awareness of Lower Secondary School Students in Turkey –Novitas - ROYAL (Research on Youth and Language), v 13 n 1 p 62 - 83
- عمومی کشور، مقاله پژوهشی، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی فرهنگ، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، ص ۵۸-۳۱.
- * -Bell, Lorraine; Clover, Darlene E. - Spr 2017- Critical Culture: Environmental Adult Education in Public Museums –New Directions for Adult and Continuing Education, n 153 p 17 - 29
- * -Fiske, John(2001), "British Cultural Studies and Television" in Robert C. Allen (ed.), Channels of Discourse, Reassembled: Television and Contemporary Criticism, 199 V, University of North Carolina Press.
- * -Guy, Mary E.(2022). Cultural Competency for the Global Age,Journal of Public Affairs Education, v28 n3 p237-250 2022ERIC Number: EJ1365899Record Type: Journal Publication Date: 2022 Pages: 14 Abstractor: As Provided ISBN: N/A ISSN: ISSN-1523-6803 EISSN: EISSN-2328-9643.
- * -Hantzopoulos, Maria; Rivera - McCutchen, Rosa L.; Tyner - Mullings, Alia R. – 2021-Reframing School Culture through Project - Based Assessment Tasks: Cultivating Transformative Agency and Humanizing Practices in NYC Public Schools –Teachers College Record, v 123 n 4
- * -Khanfar, Asmaa Radi – 2021-Teachers' Insights into the Role of Teamwork among Students in Public Schools –Cypriot Journal of Educational Sciences, v 16 n 6 p 2981 - 2993
- * -Klaudia Nowicka (2022), The Heritage Given: Cultural Landscape and Heritage of the Vistula Delta Mennonites as Perceived by the Contemporary Residents of the Region, Sustainability 2022, 14,915.<https://doi.org/10.3390/su14020915>
- * -Kuehl, Rebecca A.; Hungerford, Hilary – 2017- Global Citizenship in Intercultural Communication: Spatial Awareness of Globalization through Map Your Consumption –Communication Teacher, v 31 n 4 p 220 - 225
- * -KULTHIDA SAEMEE & SINGHANAT NOMNIAN (2021),Cultural Representations in ELT Textbooks Used in a Multicultural School, rEFLections Vol 28, No 1, January - April 2021
- * -Lilliedahl, Jonathan – 2021-Class, Capital, and School Culture: Parental Involvement in Public Schools with Specialised Music Programmes –British Journal of Sociology of Education, V 42 n 2 p 245 - 259
- * -Magill, Kevin Russel; Rodriguez, Arturo – 2019- Culture Circles as a Practice of Freedom –Curriculum and Teaching Dialogue, v 21 n 1 - 2 p 53 - 70
- * -Mc Keon, David - Jul 2020-'Soft Barriers' - - The Impact of School Ethos and Culture on the Inclusion of Students with Special Educational Needs in



Designing a Conceptual Model for the Development of Public Culture in the Primary Education System (based on Grounded Theory)

Abstract

The present study was conducted with the aim of developing public culture in the primary school education system (based on grounded theory). The research method is applied in terms of purpose, qualitative in terms of the type of data, and paradigmatic in terms of the nature and type of data study.

The participants of the research included university professors with academic rank of assistant professor and above, who have plans, research and experience in the field of study (experts in the field of curriculum and social sciences) who were consciously selected for interviews based on the theoretical and purposeful snowball sampling method, and based on the theoretical saturation of data, 12 experts (9 from the field of curriculum and 3 from the field of Social Sciences).

The research tool was a semi-structured interview, and the reliability and validity of the measurement tool was obtained with the help of three-way consensus (data consensus, researchers' consensus, theories and methodology consensus), and in this way, the theoretical scope of the research was examined first, and then the interview form was used. According to the studies, it was prepared and made available to the experts.

The data analysis was synchronized with the collection of 368 open codes, which were categorized by categorizing and deleting some conceptual codes, in the open coding phase, the indicators were numerated and through the axial coding of components in 5 dimensions and an axial category according to the type of study, and finally the dimensions, components and indicators obtained were sent to 12 experts and with the help of selective coding through the Delphi fan interview and brainstorming of the public culture development model in the primary school education system in 5 dimensions and it consisted of 17 components and 341 indicators around the central category of the model, namely the development of public culture, validated by experts and was drawn in a paradigmatically conceptual form.

Key words: public culture, development of public culture, conceptual model, education system, primary school

